



پژوهشکده شورای نگهبان

# مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه (صبح) مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۶

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۶



پژوهشکده شورای نگهبان

## شناسنامه

عنوان:

### مشروح مذاکرات شورای نگهبان جلسه (صبح) مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان

ویراستاران و مستندسازان: محمدحسین باقری، محمدبرزگر،

حسین فاتحی زاده، علی زمانیان جهرمی

بازبینان:

علی زمانیان جهرمی، سید محسن طاهری، محمدحسن باقری،

کاظم کوهی اصفهانی، عباس حسن خانی

ناظر علمی:

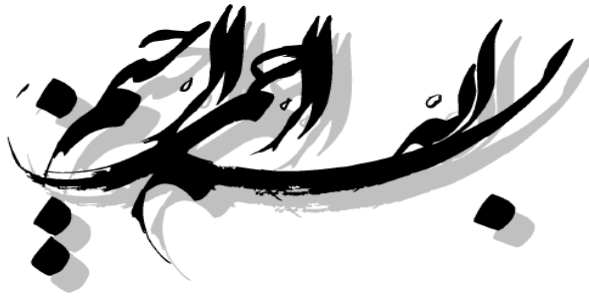
کاظم کوهی اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۶

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه صبح مورخ ۱۰/۷/۱۳۹۲ شورای نگهبان

### فهرست مطالب

۲	.....مقدمه
۳	..... طرح اصلاح تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران
	..... طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی
۲۲	..... بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)
۲۳	..... اصلاح اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها
	..... طرح یک‌فوریتی تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح بیمه اجباری
	..... مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث
۳۹	..... (اعاده شده از شورای نگهبان)
	..... طرح اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش
۴۰	..... دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی
۴۲	..... لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست
	..... لایحه دوفوریتی تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات
۶۳	..... کشوری

## مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

## طرح اصلاح تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران

**آقای طحان نظیف (منشی)** - «طرح اصلاح تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران<sup>(۱)</sup>»

ماده واحده - در تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲، کلمه «می گردد» حذف و کلمه «نمی گردد» جایگزین آن می شود. تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲، این بوده است:

«تبصره ۲ - حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان از کارافتاده کلی موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) این قانون، در صورت اشتغال در دستگاه های موضوع بند (الف) ماده (۲) این قانون قطع می گردد.» حالا با اصلاح صورت گرفته توسط مجلس، به این شکل تغییر پیدا می کند:

«تبصره ۲ - حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان از کارافتاده کلی موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) این قانون، در صورت اشتغال در دستگاه های موضوع بند (الف) ماده (۲) این قانون قطع نمی گردد.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - «می گردد» بوده است، حالا شده «نمی گردد».

**آقای علیزاده** - این بار مالی ندارد؟<sup>(۲)</sup>

**آقای مدرسی یزدی** - فقط بار مالی دارد، ایراد دیگری ندارد!

۱. طرح اصلاح تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه ی شماره ی ۳۲۵/۴۰۵۸۴ مورخ ۱۳۹۲/۷/۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان نیز این مصوبه را در جلسه ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ بررسی کرد و طی نامه ی شماره ی ۹۲/۳۰/۵۲۸۲۷ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ نظر خود را مبنی بر عدم مغایرت مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی اعلام کرد.

۲. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی: «طرح های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

**آقای سوادکوهی** - قبلاً به دوشغله بودن ایراد می‌گرفتیم.<sup>(۱)</sup>

**آقای عزیزاده** - نه، این از مصادیق دوشغله بودن نیست. به جانبازانی که چنین وضعیتی داشته باشند، می‌گویند «حالت اشتغال»؛<sup>(۲)</sup> حالت اشتغال یعنی اینکه اینها را بازنشسته می‌کنند ...

**آقای مدرسی‌یزدی** - یعنی جانبازان و آزادگان از کارافتاده را علی‌رغم اینکه بازنشسته‌اند، شاغل حسابشان می‌کنند.

**آقای رهپیک** - نه، بگذارید من توضیح بدهم؛ چون ما یک «حالت اشتغال» داریم و یک «بازنشستگان» مشمول [قانون حالت اشتغال]،<sup>(۳)</sup>

**آقای عزیزاده** - معنایش این نیست که اینها [بازنشستگان] مشمول قانون حالت اشتغال

۱. مطابق اصل صد و چهل و یکم قانون اساسی، «رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است، و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است».

۲. قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۰۶/۳۰: «ماده واحده- مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده کلی، جانباز آزاده از کارافتاده کلی و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در دستگاه‌های موضوع ماده (۱) قانون برقراری حقوق وظیفه از کارافتادگی و وظیفه عائله تحت تکفل جانبازان و ... مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی و نیروهای مسلح با پیش‌بینی پست‌ها یا مشاغل سازمانی با نام در تشکیلات مربوط هم‌تراز با مشاغل قبلی آنان، به منزله مستخدمین شاغل تلقی و تابع مقررات قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت بوده و از لحاظ پرداخت حقوق یا اجرت و فوق‌العاده شغل، مزایای شغل یا مزایای مستمر و همچنین افزایش سنواتی و ارتقاء گروه و سایر عناوین مشابه همانند مستخدمین شاغل با دو گروه بالاتر و یا عناوین مشابه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط با آنان رفتار خواهد شد و بر اساس مقررات استخدامی ذی‌ربط با سنوات مقرر بازنشسته شده و پس از آن از حقوق بازنشستگی یا مستمری مربوط بهره‌مند خواهند شد. ...»

۳. آیین‌نامه اجرایی قانون افزایش حقوق بازنشستگان مشمول قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲ که قبل از تاریخ ۱۳۷۷/۸/۱۴ بازنشسته شده‌اند مصوب ۱۳۸۳، مصوب ۱۳۸۵/۶/۱۵: «ب- بازنشستگان مشمول: آن دسته از بازنشستگان مشمول قانون حالت اشتغال که حسب مورد قبل از تاریخ ۱۳۷۷/۸/۱۴ (لشکری) و قبل از پایان سال ۱۳۸۱ (کشوری) بازنشسته شده‌اند.»

هستند؛ حالت اشتغال با [بازنشسته‌ی] مشمول فرق دارد.

**آقای رهپیک** - بله.

**آقای عزیززاده** - در واقع، نمایندگان [با این مصوبه] خواسته‌اند یک ارفاق به جانبازان بکنند.

**آقای رهپیک** - بله، ارفاق است، ولی بازنشستگی نیست.

**آقای عزیززاده** - آنجایی که دوشغله بودن اشکال دارد، جایی است که یک نفر متصدی یک شغلی باشد و همزمان یک شغل دیگر هم داشته باشد؛ مثل اینکه یک نفر مدیر فلان اداره است و می‌گوییم نمی‌تواند مدیر یا کارمند اداره‌ی دیگری هم باشد؛ [حال آنکه] این مصوبه در جهت ارفاق به جانبازان است. این مصوبه می‌گوید با اینکه این جانبازان هنوز به سن بازنشستگی نرسیده‌اند، ما آنها را بازنشسته می‌کنیم، ولی حقوق حالت اشتغال را دارند. در واقع این افراد متصدی هیچ شغلی نیستند؛ یک کارمند فاقد شغل هستند. اینها مدیر کل نیستند که نتوانند شغل دیگری داشته باشند. کسی که فاقد شغل است، باید بتواند یک شغل داشته باشد. [بنابراین] این مصوبه واقعاً از جهت منع دوشغله‌بودن اشکالی ندارد؛ اما از جهت تحمیل بار مالی اشکال دارد. تا دیروز [= قبل از تصویب این مقرر]، در صورت اشتغال افراد مشمول این قانون در دستگاه‌های موضوع بند (الف) ماده‌ی (۲) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، حقوق حالت اشتغال این افراد را قطع می‌کردند، اما حالا فهمیده‌اند اشتباه کرده‌اند و بنابراین دوباره آن را برگردانده‌اند به جای خودش. بنابراین از جهت بار مالی ممکن است بتوانیم ایراد بگیریم، اما از جهت منع دوشغله‌بودن نمی‌توانیم.

**آقای یزدی** - اجازه بدهید ببینیم بار مالی این مصوبه چیست. قبلاً تبصره‌ی (۲) به این صورت بوده است:

«حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان از کارافتاده کلی موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) این قانون، در صورت اشتغال در دستگاه‌های موضوع بند (الف) ماده (۲) این قانون قطع می‌گردد.» حالا گفته‌اند: حقوق آنها «قطع نمی‌گردد»؛ یعنی در صورت اشتغال باید حقوق آنها را بدهند.

**آقای رهپیک** - به این ترتیب از دو جا حقوق می‌گیرند. ببینید، قوانین مختلفی برای

ارائه‌ی تسهیلات به جانبازان هست.<sup>(۱)</sup> در بعضی از موارد با توجه به وضعیت جانباز مثلاً این امتیاز را به او می‌دهند که چند روز در ماه سر کار نرود، ولی حقوقش را کامل بگیرد. یا مثلاً برای کسانی که از کارافتاده تشخیص داده می‌شوند و هنوز به سن بازنشستگی نرسیده‌اند، با درخواست خودشان، یک پست جدید در سازمان ایجاد می‌شود.<sup>(۲)</sup> برای نمونه شخصی هست که یک پست معاونت پشتیبانی برای او تعریف شده و حکم برایش صادر شده است، بدون اینکه سر کار بیاید. بازنشسته هم نشده است و فقط سر کار نمی‌آید. ارتقای رتبه و پایه‌اش هم مثل کارمندان دیگر هر ساله در حکمش لحاظ می‌شود. اگر هم قانونی برای افزایش حقوق تصویب شود، شامل او هم می‌شود تا زمانی که موعده بازنشستگی‌اش برسد و بازنشسته‌اش کند. یعنی دقیقاً مثل یک کارمند است، فقط سر کار نمی‌آید؛ چون مشکل جسمانی دارد و تشخیص داده‌اند که از کارافتاده است و نمی‌تواند سر کار حاضر شود. بنابراین چنین کارمندی بازنشسته نیست و تا فرارسیدن زمان بازنشستگی‌اش، مثل یک کارمند و طبق حکمی که دارد، از صندوق آن دستگاه حقوق می‌گیرد.

قبل از اینکه این قانون اصلاح شود، می‌گفتند که این جانباز مثل یک کارمند است و تسهیلاتش این است که سر کار نیاید، اما حقوقش را به‌طور کامل دریافت کند؛ ولی اگر معلوم می‌شد رفته و در جای دیگری کار می‌کند، با قانون تعارض داشت و بنابراین یا باید حالت اشتغالش به هم می‌خورد، یا از کار مجدد منع می‌شد. حالا می‌گویند کسی که در حالت اشتغال است و حکم دارد و حقوق می‌گیرد، معنی ندارد که برود و در جای دیگری هم کار کند و حقوق دوم بگیرد.

**آقای مؤمن-** اشتباه می‌کنید، این را نمی‌گویند. در تبصره‌ی ماده‌ی (۳۸) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران آمده است: «حقوق وظیفه جانبازان غیر حالت اشتغال مشمول قوانین نیروهای مسلح، بر اساس مقررات مربوط در نیروهای مسلح محاسبه و

۱. از آن میان می‌توان به «قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی» مصوب ۱۳۷۲/۰۶/۳۰ و «قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران» مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد.

۲. آیین‌نامه اجرایی قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۳/۶/۱۳.



توسط نیروی مربوط پرداخت می‌گردد.» نکته‌اند: پرداخت «نمی‌گردد»؛ گفته‌اند: پرداخت «می‌گردد.»

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** این تبصره، جانبازان «غیر حالت اشتغال» را می‌گوید، نه «حالت اشتغال» را.

**آقای مؤمن-** تبصره‌ی (۲) ماده‌ی (۳۹) می‌گوید: «حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان از کارافتاده کلی موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) این قانون، در صورت اشتغال در دستگاه‌های موضوع بند (الف) ماده (۲) این قانون، قطع می‌گردد.»

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** تبصره‌ی (۲) ماده‌ی (۳۹) مربوط به حالت اشتغال است و تبصره‌ی ماده‌ی (۳۸) مربوط به غیر حالت اشتغال.

**آقای رهپیک-** تبصره‌ی (۲) ماده‌ی (۳۹) قبل از اصلاح می‌گفت اگر جانبازان و آزادگان از کارافتاده‌ی کلی بروند و در جای دیگری هم مشغول بشوند، حقوق حالت اشتغالشان قطع می‌شود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** بله.

**آقای مؤمن-** خب، حالا می‌گویند قطع نمی‌شود.

**آقای رهپیک-** الان می‌گویند اشکالی ندارد که از دو جا حقوق بگیرند.

**آقای مؤمن-** آنجا که می‌گوید: پرداخت «می‌گردد»، می‌شود: پرداخت «نمی‌گردد».

**آقای رهپیک-** مصوبه گفته است: «در تبصره (۲) ...»

**آقای مؤمن-** دو تبصره است؛ یکی در ماده‌ی (۳۸) و دیگری در ماده‌ی (۳۹).

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** فقط ماده‌ی (۳۹)، تبصره‌ی (۲) دارد.

**آقای مؤمن-** بله درست است، من اشتباه کردم.

**آقای ابراهیمیان-** این مسئله در دادگستری و به مناسبت رسیدگی انتظامی به تخلفات قضاتی که حالت اشتغال داشتند، پیش آمد. چون رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای قضات در دادرها و دادگاه‌های انتظامی، حالت ویژه‌ای دارد، در آنجا گفتند اگر یک نفر، که موج انفجار او را گرفته و جانباز است و ما او را به حالت اشتغال درآورده‌ایم، رفتار خلاف شأنی در بیرون انجام داد، آیا باید در دادرهای انتظامی و مثل یک قاضی شاغل بازخواست شود یا مثل مردم عادی؟ واقعیتش این است که باید ببینیم قوانینی که در آنها حالت اشتغال پیش‌بینی شده است، عمومیت دارد یا نه؛ یعنی از هر حیث مثل یک

شخص شاغل است یا نه، کسی است که ما نوعی بازنشستگی یا ازکارافتادگی ویژه برایش تعریف کرده‌ایم و فقط از حیث پرداخت حقوق و مزایا او را در حکم کسی قرار دادیم که شاغل است. اگر این تفسیر را بپذیریم که فقط از حیث پرداخت حقوق و مزایا مانند افراد شاغل است، بنابراین او عملاً مثل بازنشسته‌ها است و شغل ندارد، یا مثل یک مستمری‌بگیر ازکارافتاده است و شغل ندارد. اشتغال در جای دیگر مثل این است که ما طبق یک قانون به بازنشستگان اجازه بدهیم یک کار دیگر هم داشته باشند. به نظر می‌رسد این مصوبه با منع اشتغال به دو شغل، برخوردی ندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - این امتیازات سال به سال اضافه می‌شود؛ چطور می‌گویید مثل بازنشستگی است؟!

**آقای ره‌پیک** - وقتی از یک دستگاه سؤال می‌کنند که چقدر پرسنل دارید، حالت اشتغال‌ها را هم ذکر می‌کنند.

**آقای سوادکوهی** - اینکه بگوییم کارمندان حالت اشتغال، مثل بازنشسته‌ها هستند، به نظر من از جهتی درست است؛ اما یک مسئله‌ی دیگر هم در اینجا هست و آن اینکه اشخاصی که حالت اشتغال دارند، می‌توانند بیانند و در محل خدمتشان مشغول کار بشوند؛ یعنی قانون اجازه داده است که هر زمان که اراده کنند، [بیانند و مشغول به کار شوند].

**آقای علیزاده** - قانون در حق آنها ارفاق کرده و نمی‌خواهد آنها را دوباره به خدمت بگیرد.

**آقای سوادکوهی** - این ارفاقی که شما می‌فرمایید، درست است، اما باز هم وضعیت اینها مثل بازنشسته‌ها نیست که با دستگاه متبوعشان قطع رابطه کرده‌اند و رفته‌اند و حالا دارند از صندوق بازنشستگی حقوق می‌گیرند. بنابراین چنین شخصی، اگر در جای دیگری هم مشغول باشد، از آنجا حقوق خواهد گرفت و معنایش این است که غیر از اینکه از محل اصلی کار خودش حقوق می‌گیرد، از محل جدید هم حقوق دیگری می‌گیرد.

**آقای علیزاده** - قانون‌گذار می‌تواند گرفتن دو حقوق را اجازه بدهد و این منعی ندارد. چیزی که ممنوع است، داشتن دو شغل است. این شغل به معنای اشتغال نیست. ما حرفمان این است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - این آقا می‌تواند دو روز اولش را در جای اصلی خودش کار کند و دو روز هم برود جای دیگری کار کند.

**آقای عزیززاده** - اگر برگردد آنجا که بدتر می شود؛ آن وقت شما می گوید مشمول است!  
**آقای هاشمی شاهرودی** - این چه حرفی است که اگر برگردد، بدتر می شود؟! این مصوبه اجازه داده است که برگردد. برایش آدابی گذاشته است؛ می تواند دو روز در هفته در محل کار خودش باشد و سه روز در هفته آنجا باشد. [با این حال، معتقدید این شخص، دوشغله نیست؟! دوشغله که شاخ و دم ندارد. این دوشغله است.

**آقای ابراهیمیان** - اگر برگشت، دوشغله می شود.

**آقای شبزنده دار** - به دوشغله بودنش کاری نداریم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا کاری نداریم؟! اصل (۱۴۱) قانون اساسی می گوید: «رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند.» این مصوبه دو اشکال دارد.

**آقای شبزنده دار** - آن سر جای خودش، ولی آیا با تصویب این قانون، یک هزینه ای اضافی بر دوش دولت می آید یا نمی آید؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - بار مالی دارد.

**آقای شبزنده دار** - این مصوبه، لایحه است؟ لایحه نیست؛ طرح است و بنابراین مخالف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - غیر از این اشکال، اشکال دیگری هم دارد.

**آقای عزیززاده** - دو تا اشکال را بفرمایید.

**آقای شبزنده دار** - همین. ما اشکال اصلی مان همین است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اشکال اول، مغایرت با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است که داشتن دو شغل را منع کرده و اشکال دوم، تحمیل بار مالی به دولت است.

**آقای عزیززاده** - اشکال اول را ما قبول نداریم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - هر دو اشکال، وارد است.

**آقای عزیززاده** - حضرات آقایانی که می گویند مصوبه از جهت اصل (۱۴۱) قانون اساسی اشکال دارد، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ما رأی می دهیم.

**آقای مؤمن** - اجازه بدهید من یک توضیح بدهم، بیشتر رأی بیاورد.

**آقای مدرسی یزدی** - قانون «حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز ازکارافتاده و

مفقودالاثرا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی» هم آنها را نه مثل بازنشستگان، بلکه «به منزله‌ی مستخدمین شاغل» تلقی کرده است.<sup>(۱)</sup>

**آقای ابراهیمیان** - در مورد بار مالی هم من عرضی دارم.

**آقای مؤمن** - اینکه مصوبه گفته است: «در صورت اشتغال در دستگاه‌های موضوع بند (الف) ...»، این دستگاه‌های موضوع بند (الف) عمومیت دارد؛ مثلاً سابقاً در یک دستگاهی کارمند بوده است و جانباز شده است، حالا که می‌خواهد باز هم کار کند، ممکن است برگردد و دوباره کارمند همان دستگاه بشود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - استخدام جدید در همان دستگاه!

**آقای رهپیک** - نه، در همان دستگاه، پست دارد.

**آقای عزیززاده** - بله، سر پست خودش می‌رود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - یعنی دوباره یک پست دیگر هم از آنجا بگیرد؟

**آقای عزیززاده** - نه.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - چرا دیگر، این اشتغال است. شما می‌گویید اینها شاغل نیستند و مثل افراد بازنشسته هستند. عجب حرفی است!

**آقای مؤمن** - اطلاق دارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - قطعاً اطلاق دارد.

**آقای مؤمن** - اگر بنا شد که در تبصره‌ی (۲) آنجا که می‌گوید: «در صورت اشتغال در

۱. قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالاثرا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی: «ماده واحده - مستخدمین شهید، جانباز ازکارافتاده کلی، جانباز آزاده ازکارافتاده کلی و مفقودالاثرا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در دستگاه‌های موضوع ماده (۱) قانون برقراری حقوق وظیفه ازکارافتادگی و وظیفه عائله تحت تکفل جانبازان و ... مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی و نیروهای مسلح با پیش‌بینی پست‌ها یا مشاغل سازمانی با نام در تشکیلات مربوط هم‌تراز با مشاغل قبلی آنان، به منزله مستخدمین شاغل تلقی و تابع مقررات قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت بوده و از لحاظ پرداخت حقوق یا اجرت و فوق‌العاده شغل، مزایای شغل یا مزایای مستمر و همچنین افزایش سنواتی و ارتقاء گروه و سایر عناوین مشابه همانند مستخدمین شاغل با دو گروه بالاتر و یا عناوین مشابه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط با آنان رفتار خواهد شد و بر اساس مقررات استخدامی ذی‌ربط با سنوات مقرر بازنشسته شده و پس از آن از حقوق بازنشستگی یا مستمری مربوط بهره‌مند خواهند شد.»

دستگاه‌های موضوع بند (الف) ... منظور از موضوع بند (الف)، همان دستگاه قبلی هم که شخص در آنجا مشغول بوده است، باشد و او دوباره بیاید و در همین دستگاه مشغول شود، دوشغله می‌شود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - اینکه نمی‌شود که شخص از یک جا حقوق حالت اشتغال بگیرد و از طرفی هم برود و در جای دوم و سوم کار کند و از سه جا حقوق بگیرد!

**آقای مؤمن** - بودجه چطور می‌شود؟ یعنی نمی‌تواند در [همان دستگاه قبلی مشغول شود؟]

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - چه فرقی می‌کند با دستگاه دیگر؟ همه‌اش دستگاه دولتی است.

**آقای عزیزاده** - نه، قانون فقط داشتن دو شغل همزمان را منع می‌کند. این مصوبه نه بار مالی دارد و نه مصداق دوشغله بودن است.

**آقای سوادکوهی** - قطعاً بار مالی دارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - این مصوبه، ایراد دوشغله بودن هم دارد.

**آقای مؤمن** - آن اشکال دیگری است. در ماده‌ی (۲)<sup>(۱)</sup> قانون جامع خدمات‌رسانی به

۱. ماده (۲) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲: «دستگاه‌های مشمول این قانون عبارتند از:

الف- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، و دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و ملی شده تحت پوشش و یا مدیریت دولتی اعم از اینکه دارای قوانین و مقررات خاص باشند و یا نباشند، قوه قضائیه اعم از کادر قضایی و اداری و سازمان‌ها و مؤسسات وابسته و تابعه آنها، کانون وکلای دادگستری، کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری، قوه مقننه، نهاد ریاست جمهوری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران (سازمان‌های وابسته و تابعه)، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (نظامی و انتظامی)، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت‌های تحت پوشش وابسته یا تابعه آنها و کلیه سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند و یا قسمتی از بودجه آنها توسط دولت تأمین می‌گردد، بانک‌ها، مؤسسات بیمه‌ای، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، شهرداری‌ها و شرکت‌های تحت پوشش آنان و نیز مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است از قبیل سازمان تأمین اجتماعی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، شرکت‌های هواپیمایی، سازمان انرژی اتمی، اعضای هیئت علمی و کادر اداری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و دانشگاه آزاد اسلامی.

ب- سایر دستگاه‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌ها و مراکز تولیدی و توزیعی و خدماتی که تحت پوشش قانون کار یا مقررات تأمین اجتماعی و قوانین خاص هستند.»

ایثارگران می‌گوید: «دستگاه‌های مشمول این قانون عبارتند از: ... نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (نظامی و انتظامی)، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت‌های تحت پوشش وابسته یا تابعه آنها و کلیه سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند ...»

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - این بازی با الفاظ است.

**آقای مؤمن** - خب همه‌ی جانبازان و آزادگان از کارافتاده کلی می‌توانند برگردند و دوباره در دستگاه‌های موضوع بند (الف) ماده‌ی (۲) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مشغول شوند و اگر این اتفاق بیفتد، یک حقوق به او می‌دهند به خاطر اینکه عضو فعلی است و یک حقوق هم برای حالت اشتغال.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - بله.

**آقای مؤمن** - خب این می‌شود دو شغل.

**آقای عزیزاده** - آقا، این مورد مثل این نیست که مثلاً کسی را که در یک دستگاه وزیر یا معاون وزیر است، ببرند و در جای دیگری مدیر کل‌اش کنند و ما هم بگوییم این مصداق دوشغله بودن است.

**آقای مؤمن** - فرقی نمی‌کند.

**آقای ابراهیمیان** - اگر قانونی تصویب بشود که بازنشسته‌ای را که از یک اداره‌ای حقوق می‌گیرد، می‌توانید دوباره در همان‌جا به کار بگیرید و یک پست دیگر به او بدهید، اشکالی پیش نمی‌آید.

**آقای رهیک** - بازنشسته که پست ندارد.

**آقای ابراهیمیان** - نه، آن را به این علت گفتم که لازمه‌ی حالت اشتغال فرض کردن اینها، [داشتن یک پست است]. بار مالی هم ندارد، به این علت که الآن دو حالت وجود دارد؛ یا این آقا الآن در این اداره‌ی دوم شاغل است و حقوق می‌گیرد و ما می‌خواهیم با تصویب این قانون، کار او را قانونی کنیم و مهر تأیید بزنیم، که این بار مالی‌ای برای دولت ندارد؛ چون حقوقش را دارد می‌گیرد. یا اینکه هنوز شروع به کار نکرده است که در این صورت ما حکم به استخدام او نمی‌دهیم که بخواهیم بار مالی‌ای به دولت تحمیل کنیم. ما به دولت می‌گوییم که اگر خواستی این جانباز را به استخدام خودت در بیاوری، قانون به تو اجازه می‌دهد به او حقوق بدهی. در اینجا هم

به نظر می‌رسد که بار مالی‌ای به دولت تحمیل نمی‌شود. بنابراین در هر دو فرض، هیچ بار مالی‌ای به دولت تحمیل نمی‌شود؛ چه شاغل باشد و الآن در حال حقوق گرفتن باشد. که هیچ کس مجانی برای یک اداره‌ی دولتی کار نمی‌کند و اگر کسی در یک اداره‌ی دولتی دارد کار می‌کند، حتماً دارد حقوق می‌گیرد و این مصوبه فقط دارد آن دستمزد را قانونی می‌کند. و چه هنوز شاغل نشده باشد، که در این صورت هم ما الزام به استخدام را به دولت تحمیل نمی‌کنیم تا بار مالی برایش داشته باشد.

**آقای مدرسی‌یزدی** - قانونی نیست؛ نه تنها اجازه داده این شخص را استخدام کنند، بلکه الزام هم کرده است.

**آقای مؤمن** - یعنی اشکال دوشغله بودن باز هم وجود دارد. این قانونی نیست.

**آقای علیزاده** - این از مصادیق دوشغله بودن نیست.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - دو حکم [کارگزینی] برای او صادر می‌شود.

**آقای علیزاده** - اگر قانون بگوید، دو حکم داشتن اشکالی ندارد.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - در دستگاه قبلی‌اش به او پست می‌دهند و شخص دارای دو پست می‌شود، در حالی که بازنشسته نیست.

**آقای علیزاده** - «حالت اشتغال» است، نه مشمول. این دو تا با هم فرق دارند.

**آقای مدرسی‌یزدی** - فقط باید طبق فرمایش آقای دکتر ابراهیمیان بنویسد اطلاق تبصره‌ی (۲)، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

**آقای علیزاده** - حالا درباره‌ی مغایرت با اصل (۷۵) بعداً صحبت می‌کنیم. بگذارید بحث مغایرتش با اصل (۱۴۱) را تمام کنیم.

**آقای ره‌پیک** - یک بحث این است که باید به جانبازان کمک بشود و سؤال این است که از چه طریقی کمک بشود. آن قانونی که قبلاً بود،<sup>(۱)</sup> یک مبنا و فلسفه‌ای داشت. می‌گفت کسی که از کار افتاده‌ی کلی می‌شود. یعنی دیگر نمی‌تواند کار کند. چون نمی‌تواند کار کند و جانباز است، ما پست او را نگه می‌داریم و نیازی نیست که حضور فیزیکی برای کار داشته باشد. با وجود این، تمام شرایط یک کارمند را دارد؛

۱. تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲: «تبصره ۲- حقوق اشتغال جانبازان و آزادگان از کار افتاده کلی موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) این قانون در صورت اشتغال در دستگاه‌های موضوع بند (الف) ماده (۲) این قانون قطع می‌گردد.»

مثلاً حقوق می‌گیرد، ترفیع پیدا می‌کند و اگر قانون جدیدی تصویب شود، شامل او هم می‌شود، ولی بازنشسته نشده است. ما همین الآن افرادی را داریم که سه سال دیگر مانده است تا بازنشسته بشوند، ولی هر سال حکمشان تغییر می‌کند. فلسفه‌ی قانون قبل این بود که چون این اشخاص نمی‌توانستند کار کنند، مشمول قانون «حالت اشتغال» می‌شدند و بدون اینکه سر کار بروند، حقوقشان را دریافت می‌کردند؛ اما وقتی بنیاد جانبازان متوجه می‌شد که مثلاً برخی از اینها رفته‌اند و دفترخانه راه‌اندازی کرده‌اند، این کار آنها را تخلف می‌دانست و درخواست می‌کرد که حقوق حالت اشتغالشان را قطع کند. بنیاد جانبازان می‌گفت یک جانباز یا باید حقوق حالت اشتغال را دریافت کند، یا درآمد دفترخانه را داشته باشد؛ چراکه «حالت اشتغال» در قانون تعریف شده و کسانی مشمول آن قانون شده‌اند که «ازکارافتاده‌ی کلی» هستند. بنابراین اگر کسی شرایط ازکارافتادگی کلی را داشته باشد، منطقی است که حقوق حالات اشتغال دریافت کند؛ ولی اگر کسی در حالی که مشمول قانون حالت اشتغال است، برود و دوباره در یک دستگاه دولتی مشغول بشود- نه جایی که خود شخص می‌تواند از آن درآمدی داشته باشد- با آن فلسفه منافات دارد. بحث کمک کردن جدا است و راه کمک کردن را باید طور دیگری تعریف کنند. آن قانون، فلسفه‌اش این بود که شخص آن‌قدر جانبازی‌اش شدید است که نمی‌تواند کار کند.

**آقای علیزاده-** از کجا می‌دانید؟

**آقای رهپیک-** قانون گفته است: «حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان ازکارافتاده کلی».

**آقای ابراهیمیان-** اصلاً بعضی وقت‌ها شخص ازکارافتاده‌ی کلی، شرایط شرعی شغل را از دست داده است.

**آقای مدرس‌ی‌یزدی-** بله، قانون گفته است: «ازکارافتاده کلی».

**آقای رهپیک-** بله. بعد هم تشخیص این ازکارافتادگی، آیین‌نامه دارد<sup>(۱)</sup> که در آن شرایط ازکارافتادگی را گفته‌اند؛ مثلاً اینکه مجروحیت جانباز، چند درصد باشد و توان

۱. به عنوان نمونه، بنگرید به: «آیین‌نامه اجرایی قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز ازکارافتاده و مفقودالانقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی» مصوب ۱۳۷۳/۶/۱۳ هیئت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی، «آیین‌نامه اجرایی درصد جانبازی»، مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۲ وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک.



حرکت فیزیکی نداشته باشد و ...

**آقای عزیزاده-** کجای قانون آمده است که شخص حتماً باید از کارافتاده‌ی کلی باشد؟

**آقای ره‌پیک-** قانون گفته است: «از کارافتاده کلی.»

**آقای عزیزاده-** از کارافتادگی کلی، یک وضعیت است؛ یعنی شخص جانباز به وضعیتی می‌رسد که به او از کارافتاده‌ی کلی می‌گویند.

**آقای مدرسی‌یزدی-** این یک اصطلاح است.

**آقای عزیزاده-** این را ما بلدیم که از کارافتاده‌ی کلی یک اصطلاح است. فرض کنید شخص، ارتشی یا سپاهی بوده که خمپاره خورده و قطع نخاع شده است؛ حالا این جانباز، سردفتری می‌تواند بکند، ولی در ارتش نمی‌تواند باشد. پس به او عنوان «حالت اشتغال» می‌دهند. مثل من که پیرمرد و بازنشسته شده‌ام، او هم مشمول حالت اشتغال می‌شود. منتها من به خاطر سنم، او بر اثر وضعیت جانبازی‌اش. من تعجب می‌کنم؛ اصلاً «حالت اشتغال»، وضعیت چنین شخصی است و معنایش این نیست که او مشمول است.

**آقای ابراهیمیان-** من یک مثالی بزنم؛ بعضی وقت‌ها شخص، شرایط شرعی آن شغل را هم از دست می‌دهد و مثلاً مجنون می‌شود. برای مثال ما همکاری داشتیم که قاضی بود و به اختلال مشاعر دچار شد؛ با این حال ما به چنین کسی می‌گوییم تو در حالت اشتغالی. آیا واقعاً این اشتغال است یا صرفاً از حیث بهره‌برداری از حقوق و مزایای شغل قبلش است؟

**آقای سلیمی-** ببینید، جانبازانی که در شرایط از کارافتادگی قرار دارند، حقوق حالت اشتغال می‌گیرند. حالا این از کارافتادگی را در آیین‌نامه تعریف کرده‌اند؛<sup>(۱)</sup> مثلاً ممکن است جانبازان بالای ۲۵ درصد را مشمول قانون حالت اشتغال تشخیص دهد، یا جانبازی را که یک پایش را از دست داده است، از کارافتاده محسوب کند و او را مشمول این قانون بداند. همین‌طور ممکن است جانبازی را که مقداری اختلال عصبی

۱. بند (ج) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۳/۶/۱۳ هیئت وزیران: «ج- جانباز از کارافتاده کلی و آزادگان جانباز از کارافتاده کلی: کسانی که حسب مورد بنا به تشخیص مرجع‌های صالح (بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی یا ستاد رسیدگی به امور آزادگان یا مرجع‌های ذی‌صلاح نیروهای مسلح) از کارافتاده کلی شناخته شده و قادر به کار نباشند.»

پیدا کرده است، به عنوان جانباز ۳۰ درصد، مشمول دریافت حقوق حالت اشتغال بدانند. چنین کسی از «حالت اشتغال» فقط یک حقوق می‌گیرد و واقعاً هیچ چیز دیگری غیر از حقوق گرفتن برای آن اداره ندارد. برای پرداخت حقوق هم ما خودمان تجربه داریم و می‌دانیم که گاهی مواعی بر سر راه هست. مثلاً من در جایی مسئولیت داشتم که در آنجا تعدادی کارمند حالت اشتغال داشتیم و من می‌گفتم که ما هزینه‌ی ایاب‌وذهاب این جانبازان را دیگر نباید بدهیم؛ چون اینها که ایاب‌وذهاب ندارند و سر کار نمی‌آیند. وقتی استعلام کردیم، گفتند که باید همه‌ی حقوق و مزایای متعلق به کارمندان از جمله هزینه‌ی ایاب‌وذهاب، هزینه‌ی غذا، حق مسکن و ... را باید به آنها پرداخت کنید؛ در واقع همه‌ی مزایایی را که کارمندان دیگر می‌گیرند، این افراد هم می‌گیرند. با این تفاوت که این افراد هیچ کاری برای سازمانشان انجام نمی‌دهند و حالت اشتغال دارند؛ یعنی از مزایای آن شغل بهره می‌برند، نه از خود اشتغال. پس این اشخاص عملاً شاغل نیستند، بلکه در خانه‌هایشان نشسته‌اند. خوب حالا اگر بعضی از اینها می‌توانند بروند و کاری بکنند، ما بگوییم که نه، شما بروید و در خانه‌هایتان بنشینید و زندگی‌هایتان را هم مختل کنید؟!!

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** می‌توانند کار آزاد بکنند. اشتغال در دو جا [= دو دستگاه دولتی] ممکن نیست.

**آقای سلیمی-** خوب این جانبازان می‌توانند بعضی از کارها را در بعضی جاها انجام دهند و ممکن است در چنین جاهایی به اینها کار بدهند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** هر دو اشتغال است؛ جای دوم هم اشتغال است.

**آقای سلیمی-** اگر اصل (۱۴۱) قانون اساسی را ناظر به کسی می‌دانید که بر سر شغلی نشسته و دارد کار می‌کند، جانبازان حالت اشتغال، شاغل نیستند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** نه، اگر در مرخصی هم باشد، شاغل است.

**آقای سلیمی-** شغل را همین می‌دانید که شخص حقوق بگیرد؟!!

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** بله.

**آقای علیزاده-** نه.

**آقای سلیمی-** ما معتقدیم حقوق گرفتن، شغل نیست.

**آقای علیزاده-** بله، شغل نیست.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - اصل (۱۴۱) قانون اساسی ناظر به همین دو حقوق گرفتن است، نه در دو جا کار کردن.

**آقای سلیمی** - اصل (۱۴۱) به حقوق، کاری ندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - به گرفتن دو حقوق کامل کار دارد.

**آقای سلیمی** - بنده عرض همین است که اصل (۱۴۱) به شغل و تصدی آن، کار دارد، نه به دریافت حقوق.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - فلسفه و نکته‌ی اصل (۱۴۱) همین دو حقوق گرفتن است؛ وگرنه چرا گفته است که کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند؟

**آقای سلیمی** - پس بنابراین این آدم چون شاغل نیست، شاغل تلقی نمی‌شود و حالت اشتغال دارد؛ بنابراین اگر رفت و در جای دیگری مشغول شد، دوشغله محسوب نمی‌شود.

**آقای علیزاده** - به اندازه‌ی کافی درباره‌ی مغایرت این مصوبه با اصل (۱۴۱) قانون اساسی بحث شد. حضرات آقایانی که این مصوبه را خلاف اصل (۱۴۱) قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - ما مغایر می‌دانیم.

**آقای علیزاده** - حالا آقایانی که مصوبه را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌دانند، اعلام رأی بفرمایند.

**آقای مدرسی‌یزدی** - اطلاقش مغایر با اصل (۷۵) است.

**آقای علیزاده** - اطلاق کجای مصوبه؟ بفرمایید تا من رأی بگیرم.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - اینکه دولت را ملزم به استخدام آنها کرده است، برای دولت بار مالی دارد.

**آقای مدرسی‌یزدی** - مجلس باید در مصوبه‌اش توضیح بدهد.

**آقای علیزاده** - من متوجه نشدم.

**آقای مدرسی‌یزدی** - ممکن است الآن بعضی از جانبازان و آزادگان از کارافتاده، شاغل باشند. دولت اختیار دارد که بعضی از آنها را به کار بگیرد و بعضی را هم استخدام نکند. پس تحمیل به دولت نیست. ولی در یک جاهایی قانون گفته است که این اشخاص مقدمند و دولت باید آنها را استخدام کند و این تحمیل به دولت است.

**آقای علیزاده** - این مصوبه کجا گفته است که دولت باید به همه‌ی «حالت اشتغال»ها پول

بدهد؟! می‌گوید اگر کسی که حالت اشتغال دارد، در دستگاه دیگری مشغول شد، نباید از او مجانی کار کشید؛ یعنی نباید کسی بگوید اینها چون حالت اشتغال دارند و حقوق می‌گیرند، دیگر نمی‌توانند از جای جدیدی که در آن مشغول شده‌اند، حقوق بگیرند.

**آقای مدرسی‌یزدی-** در بعضی جاها دولت مجبور است جانبازان را استخدام کند.

**آقای علیزاده-** دولت مجبور نیست.

**آقای مدرسی‌یزدی-** چرا، قوانینی داریم که بر اساس آنها جانبازان در استخدام مقدم هستند.<sup>(۱)</sup>

**آقای علیزاده-** هیچ جای این مصوبه خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی نیست؛ چرا نیست؟ چون زمانی که دستگاهی می‌گوید من کارمند نیاز دارم و بودجه‌ی آن دستگاه هم مشخص است، می‌تواند چنین جانبازی را استخدام کند و به او حقوق بدهد. کجای این موضوع خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است؟ مگر مصوبه می‌گوید به این اشخاص حتماً پول بدهید؟ اگر قانون بگوید به این اشخاص غیر از حقوقی که بابت حالت اشتغالشان می‌گیرند، همین‌طوری یک حقوق دیگر هم بدهید، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ اما اگر بگوید زمانی که به خدمت این افراد نیاز دارید و مجوز و بودجه هم دارید، اگر جانبازان مشمول حالت اشتغال را به کار گرفتید، باید به آنها حقوق بدهید، کجایش خلاف اصل (۷۵) است؟

**آقای جنتی-** «قطع می‌گردد» و «قطع نمی‌گردد»، فرقی چپ‌ست؟

**آقای علیزاده-** نمایندگان خواسته‌اند با این کار جلوی دوشغله محسوب شدن جانبازان حالت اشتغالی را که می‌روند و در یک دستگاهی مشغول به کار می‌شوند، بگیرند.

**آقای رهیک-** اشکال مصوبه از لحاظ تحمیل بار مالی، از این جهت نیست که شخص جانباز در دستگاه دوم مشغول می‌شود و می‌خواهد حقوق دریافت کند. مصوبه

۱. قوانین و مقررات متعددی در جهت تسهیل استخدام جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا وجود دارد که از آن میان می‌توان به «قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی» مصوب ۱۳۶۸/۰۶/۲۶ مجلس شورای اسلامی، «قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا» مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۳ مجلس شورای اسلامی و «آیین‌نامه ساماندهی اشتغال فرزندان شاهد و جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر» مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ هیئت وزیران اشاره کرد.

می‌گوید که آن حقوق حالت اشتغال، که قبلاً قطع می‌شد و شخص دریافت نمی‌کرد، دیگر قطع نمی‌شود. [این مصوبه،] حقوق حالت اشتغال را دارد می‌گوید.

**آقای علیزاده-** اگر این مصوبه، حقوق جدیدی ایجاد می‌کرد، اشکال تحمیل بار مالی وارد بود. برای آن دستگاهی که قبلاً حقوق حالت اشتغال را می‌داد، بار مالی‌ای ایجاد نمی‌شود. این دستگاهی هم که می‌خواهد الآن حقوق بدهد، مختار است که استخدام کند یا نکند. این کجایش بار مالی است؟! من به بار مالی بیشتر از همه‌ی شما حساسیت دارم، اما این مصوبه بار مالی ندارد؛ چون حقوق اول را که حقوق حالت اشتغال است، قانون می‌گوید که به او بدهید. حقوق دوم را هم اگر آن دستگاه نیاز به نیرو داشت و اگر مجوز و بودجه هم داشت، می‌تواند این جانباز را به عنوان خرید خدمت به کار بگیرد و به او پرداخت کند.

**آقای مدرسی یزدی-** نه آقای علیزاده، بی‌لطفی نکنید. مصوبه دارد می‌گوید اگر رفت و در یک جای دیگری استخدام شد، آن حقوق حالت اشتغالش را قطع نکنید.

**آقای رهپیک-** مصوبه دارد حقوق اولش را می‌گوید.

**آقای مدرسی یزدی-** طبق قانون قبلی، حقوق قبلی را قطع می‌کردند.

**آقای رهپیک-** قانون قبلی این را می‌گوید: «حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان از کارافتاده کلی این قانون قطع می‌گردد.» حالا می‌گوید که این حقوق قطع نمی‌شود؛ این بار مالی دارد و بار مالی‌اش هم به دستگاه دوم کاری ندارد.

**آقای علیزاده-** قطع نکردن حقوق، بار مالی است؟

**آقای مدرسی یزدی-** بله دیگر.

**آقای علیزاده-** چه کسی می‌گوید؟

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** چرا دیگر، یعنی آن دستگاه باید حقوق را پرداخت کند.

**آقای علیزاده-** دستگاه حقوق را قطع نکرده است که حالا وصل کردن دوباره‌اش بار مالی برایش داشته باشد.

**آقای مدرسی یزدی-** این مصوبه می‌خواهد کاری کند که دو برابر هزینه بگذارای روی دست [دولت].

**آقای علیزاده-** این، بار مالی نیست.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** تا حالا اگر شخص جانباز می‌رفت و در یک جایی کار می‌کرد،

طبق قانون قبل، دستگاه اولی حقوقش را قطع می‌کرد، اما حالا باید پرداخت کند.

**آقای علیزاده-** این، بار مالی نیست. بار مالی این است که حقوق جدید ایجاد کند.

آقای مؤمن- این، بار مالی نیست.

**آقای مدرس‌سی‌زیدی-** حالا بگذارید یک مقدار صحبت کنیم. حاج‌آقا زود تصمیم نگیرید.

**آقای سلیمی-** اگر دولت شخص بازنشسته‌ای را استاندار یا وزیرش می‌کند، باید

بگوییم حقوق بازنشستگی‌اش را قطع کنید، چون بار مالی دارد؟

**آقای علیزاده-** بله، [دولت] اجازه دارد.

**آقای ابراهیمیان-** نه.

**آقای سلیمی-** شما می‌گویید که مجلس دارد برای دولت بار اضافی تحمیل می‌کند؛ این

بار اضافی نیست. مجلس گفته است آن حقوقی را که این دستگاه طبق قانون قبل، باید

قطع می‌کرد، دیگر قطع نکند. خوب این بار اضافی نیست.

**آقای مؤمن-** بار مالی ندارد.

**آقای سلیمی-** یعنی قبلاً در قانون، برای حقوق «حالت اشتغال»ها حساب و کتابی باز

شده بوده و پرداخت می‌شده است. اینکه ما بعضی از مصوبات را مغایر اصل (۷۵)

قانون اساسی می‌دانیم، به خاطر این است که مجلس با آن مصوبات، بار مالی دولت را

اضافه می‌کند و جای تأمینش را هم تعیین نمی‌کند. در این مورد اصلاً پرداخت حقوق

جانبازان حالت اشتغال، خودش جای تأمین داشته و پرداخت هم می‌شده است، اما

مجلس گفته بود قطع کنید و حالا همان‌ها که گفته بودند قطع کنید، می‌گویند قطع

نکنید. فقط همین. این چه بار مالی جدیدی اضافه کرده است؟! بیچاره جانباها که ما

دیوارشان را کوتاه می‌بینیم. یک تسهیلات کوچکی هم که به آنها می‌دهند، می‌خواهیم

جلویش را بگیریم.

**آقای سلیمی-** به مصلحت جانباها نیست که در خانه‌هایشان بمانند. یک کاری کنید که

این افراد در جاهایی که می‌توانند، مشغول بشوند. ماندن این افراد در خانه‌ها، برای

خانواده‌هایشان ناراحتی ایجاد می‌کند؛ مثل افراد بازنشسته که ماندن آنها در خانه

مشکلات خاص خودش را دارد. واقعیت این است که مرد تا جایی که مقدور است،

نباید در خانه بماند. یکی از فلسفه‌های این مصوبه این است که جانبازان در خانه نمانند.

**آقای علیزاده-** تازه بازنشسته‌ها افراد سالم بازنشسته‌اند.

**آقای سلیمی-** بیچاره‌ها سلامتی‌شان را در راه انقلاب داده‌اند و حالا که می‌خواهند بروند و در جاهایی که می‌توانند، خدمت کنند و حقوقی هم بگیرند، ما می‌گوییم نه، حقوق اولشان را قطع کنید تا حقوق دوم را به آنها بدهیم.

**آقای علیزاده-** ما این مصالح را قبول داریم، ولی بدون این مصالح هم بار مالی برای دولت ندارد.

**آقای سلیمی-** هم مصلحت است و هم بار مالی برای دولت ندارد.

**آقای مدرسی‌یزدی-** اگر واقعاً قانونی نداشته باشیم که استخدام جانبازان را در حالت اشتغال الزام کند، مصوبه اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده-** هیچ قانونی الزام نمی‌کند.

**آقای مدرسی‌یزدی-** چرا، بعضی از قوانین ممکن است الزام کرده باشد.

**آقای علیزاده-** اصلاً.

**آقای مؤمن-** خب در این قانون که الزام نکرده است.

**آقای علیزاده-** الزام ندارد. استخدام که الزام ندارد. هیچ قانونی نمی‌گوید جانبازی که مشمول حالت اشتغال است، در استخدام، مقدم است. این را مطمئن باشید.

**آقای مؤمن-** خب بحث این مصوبه هم تمام شد.

**آقای علیزاده-** حضرات آقایانی که می‌فرمایند این مصوبه برای دولت بار مالی دارد و خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است، رأی بدهند.

**آقای طحان‌نظیف (منشی)-** سه رأی خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی آورد.

**آقای علیزاده-** سه رأی. این هم تمام شد.<sup>(۱)</sup>

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۸۹ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۲۵/۴۰۵۸۴ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۷، طرح اصلاح تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، مصوب جلسه مورخ سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

## طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)

**آقای طحان‌نظیف (مشی)-** «طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)»<sup>(۱)</sup> آخرین ایراد شورای نگهبان به این مصوبه [در اظهار نظر شماره ۵۱۶۱۶/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۵] این بوده است: «در تبصره (۲) ماده واحده، الغای اثر تصمیمات قبلی، مغایر اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی شناخته شد. بدیهی است چنانچه تصمیمات یا مصوبات مذکور بر خلاف قانون باشد، حسب مورد رئیس مجلس شورای اسلامی مطابق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، و ذی‌نفع یا هر شخص دیگر نیز می‌تواند از طریق مراجع صالحه قضایی اقدام نمایند.»

حالا مجلس برای رفع این ایراد گفته است: «در تبصره (۲) ماده واحده،<sup>(۲)</sup> عبارت «و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود و هر گونه تصمیم مغایر مفاد این قانون ملغی‌الاثراست.» حذف می‌شود.»

**آقای عزیزاده-** خیلی خوب، عبارت مورد ایراد از تبصره (۲) حذف شده است. اگر آقایان با

۱. طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۳۳/۲۶۵۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲، بررسی کرد و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در این مصوبه را طی نامه‌ی شماره ۵۱۳۹۵/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۵۱۶۱۶/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۵۱۸۹۲/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. متن تبصره (۲) ماده واحده، مصوب ۱۳۹۲/۵/۱۵ مجلس که با ایراد شورای نگهبان مواجه شده بود، به شرح زیر بود: «تبصره ۲- مفاد این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود و هر گونه تصمیم مغایر مفاد این قانون ملغی‌الاثراست.»



این اصلاح به عمل آمده، اشکال را باقی می‌داند، بفرمایند. اشکال رفع شده است.<sup>(۱)</sup>

## اصلاح اساسنامه سازمان هدفمندی یارانه‌ها

**منشی جلسه** - «اصلاح اساسنامه سازمان هدفمندی یارانه‌ها<sup>(۲)</sup>»

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و به استناد ماده (۱۵) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها - مصوب ۱۳۸۸ -<sup>(۳)</sup> تصویب نمود: «...»

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۳۳/۳۹۳۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵، طرح نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که با اصلاحاتی در جلسه مورخ سی و یکم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و به استناد ماده (۱۵) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸، اصلاح اساسنامه سازمان هدفمندی یارانه‌ها را در (۸) بند به تصویب رساند. این اساسنامه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۹۵۶/۱۱۷۱۵۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این اصلاحیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به هیئت وزیران اعلام شد.

۳. ماده (۱۵) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵ - به دولت اجازه داده می‌شود ظرف مدت یک ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، سازمانی با ماهیت شرکت دولتی به نام سازمان هدفمندی یارانه‌ها با استفاده از منابع (امکانات، نیروی انسانی و اعتبارات) موجود، جهت اجرای این قانون با لحاظ قانون برنامه ایجاد کرده یا با اصلاح ساختار و ادغام شرکت‌های موجود تأسیس نماید. دولت مجاز است وجوه حاصل از اجرای این قانون را که به خزانه واریز می‌شود، عیناً پس از وصول و کسر سهم دولت موضوع ماده (۱۱) به طور مستمر برداشت و به عنوان کمک صرفاً جهت اجرای اهداف و تکالیف مقرر در مواد (۷) و (۸) این قانون در اختیار سازمان قرار دهد تا برابر آن هزینه کند. سازمان به صورت متمرکز اداره می‌شود و صرفاً مجاز به داشتن واحدهای ستادی، برنامه‌ریزی و نظارت در مرکز می‌باشد.»

وزراء رفاه و تأمین اجتماعی، امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، راه و ترابری، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، نفت، نیرو و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور عضو مجمع عمومی سازمان می‌باشند. اساسنامه شرکت شامل ارکان، وظایف و اختیارات، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

**آقای مؤمن-** اجازه بفرمایید؛ همین جایش ایراد دارد. اینجا نوشته «به استناد ماده (۱۵) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها»؛ این مصوبه‌ای که الان دارند آن را تصویب می‌کنند، [در حقیقت] اصلاح مصوبه‌ی قبل است و حال آنکه اگر این ماده (۱۵) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها را ملاحظه کنید، می‌بینید که این ماده، اجازه‌ی اصلاح اساسنامه‌ی سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها را نداده است.

**آقای عزیزاده-** اجازه نداده است؟

**آقای مؤمن-** بله، اجازه نداده است.

**آقای ره‌پیک-** این ماده (۱۵) مربوط به تأسیس سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است.

**آقای مؤمن-** بله، برای تأسیس است. حالا ایرادی که من اینجا نوشته‌ام این است: «آنچه در ماده (۱۵) آمده، تصویب اصل اساسنامه است نه اصلاح اساسنامه.»

**آقای عزیزاده-** نه، وقتی [مجلس شورای اسلامی در ماده (۱۵)، اختیار تصویب] اصل اساسنامه را [به هیئت وزیران] داده است، ما دیگر [صلاحیت هیئت وزیران در] اصلاح اساسنامه را قبول داریم.

**آقای مؤمن-** نه، ما نمی‌توانیم قبول داشته باشیم.

**آقای عزیزاده-** چرا دیگر.

**آقای مؤمن-** قبلاً دولت مستند قانونی تصویب اساسنامه‌ها را بلد بود که چگونه بنویسد.

→

وجوه و اعتبارات موضوع این قانون از جمله مواد (۱۲) و (۱۵) مانند سایر شرکت‌های دولتی در بودجه کل کشور منعکس می‌شود و به جز اختیارات و مجوزهای موضوع این قانون از جمله مواد (۲) و (۱۴) تغییر در سقف اعتبارات شرکت در طول سال با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس مجاز می‌باشد.

وجوه مانده سازمان از هر سال در سال بعد قابل مصرف است و سازمان در هر سال می‌تواند برای سنوات بعد در چهارچوب این قانون تعهد ایجاد نماید.

اعتبارات موضوع این قانون مشمول قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند- مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۶- می‌باشد.

سازمان مکلف است گزارش عملکرد، دریافت و پرداخت منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها را به تفکیک مواد (۷) و (۸) در پایان هر شش ماه در اختیار کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و سایر کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی قرار دهد.

دیوان محاسبات کشور مکلف است در مقاطع شش‌ماهه گزارش عملیات انجام‌شده توسط سازمان را بر اساس اهداف پیش‌بینی شده در این قانون به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

آقای رحیمی [= معاون اول رئیس جمهور] به شورای نگهبان می‌نوشته که «به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، مصوب ۱۳۷۷<sup>(۱)</sup>» که طبق آن، هر وقت که مجلس، اجازه‌ی تصویب اساسنامه‌ای را به دولت بدهد، اجازه‌ی اصلاح آن اساسنامه را نیز به دولت داده است. در اینجا هم اگر دولت به آن مصوبه‌ی مجلس [= قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷] استناد می‌کند، درست می‌شود، اما در اینجا ماده (۱۵) مورد استناد، مربوط به اجازه‌ی تصویب اساسنامه است، نه اجازه‌ی اصلاح اساسنامه. پاراگراف سوم ماده (۱۵) می‌گوید: «اساسنامه شرکت شامل ارکان، وظایف و اختیارات، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

**آقای علیزاده-** ما هیچ وقت تا به حال، اگر هیئت وزیران این جوری هم مستند قانونی اصلاحیه‌اش را می‌گفت، ایراد نمی‌گرفتیم.

**آقای مؤمن-** برای اینکه دولت در نامه‌اش به شورا، به مجوز مجلس استناد می‌کند.

**آقای علیزاده-** خب، مگر الان چه گفته‌اند؟

**آقای مؤمن-** دولت، الان می‌گوید خود این ماده (۱۵) به ما اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را می‌دهد، در صورتی که خود این ماده (۱۵) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را به دولت نمی‌دهد. ماده (۱۵) [صرفاً] می‌گوید هیئت وزیران می‌تواند اساسنامه را تصویب کند. اما حالا، اینها اساسنامه تصویب نمی‌کنند، بلکه

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰:

«موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟  
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

اساسنامه‌ی سابق را دارند اصلاح می‌کنند. منتها قبلاً از مجلس استفسار شده بود که هر زمان مجلس به جمعی اجازه‌ی تصویب اساسنامه‌ی را داد، بعداً اگر خواستند در آن اساسنامه تغییراتی بدهند یا اصلاحی بکنند، آیا همان جمع حق دارند آن را اصلاح کنند؟ مجلس گفت: بله، هر جا که ما اجازه‌ی تصویب اساسنامه را بدهیم، اجازه‌ی اصلاح آن را هم داده‌ایم. اما الآن، در این مصوبه نمی‌گوید که به استناد اجازه‌ی که مجلس در [قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷] داده، ما این اساسنامه را اصلاح می‌کنیم، بلکه می‌گوید خود ماده (۱۵) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها این اجازه را به ما می‌دهد؛ در حالی که خود این ماده، چنین اجازه‌ی نمی‌دهد.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** این ماده (۱۵) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، قانون مصوب مجلس است دیگر.

**آقای مؤمن-** نه، ماده (۱۵)، مجوز قانونی اصلاح اساسنامه‌ی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نیست.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** ماده (۱۵) مصوب مجلس است.

**آقای علیزاده-** با توجه به این [مجوز عام اعطا شده در قانون استفساریه مصوب ۱۳۷۷]، دولت می‌تواند این اساسنامه را اصلاح کند. لازم نیست که دولت در اینجا ذکر کند که ما بر چه اساسی [چنین کاری می‌کنیم].

**آقای مؤمن-** حالا عیب ندارد بگوید.

**آقای علیزاده-** ما باید ببینیم این مصوبه، با کجا مغایرت دارد.

**آقای مؤمن-** از این ماده (۱۵)، مجوز قانونی اصلاح اساسنامه بر نمی‌آید. این ماده می‌گوید اساسنامه‌ی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها توسط هیئت وزیران تصویب شود. اما در این اصلاحیه می‌گوید هیئت وزیران به استناد ماده (۱۵)، می‌تواند اساسنامه را اصلاح کند.

**آقای علیزاده-** ما تا الآن، هیچ‌جا نگفته‌ایم که چرا شما [= هیئت وزیران] به آن تفسیر [= قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷]، به عنوان مجوز قانونی برای اصلاح اساسنامه [اشاره نکرده‌اید؟

**آقای مؤمن-** برای اینکه هیئت وزیران تا به حال، به آن استفساریه اشاره می‌کردند.

سوابق نظرات شورا را بیاورید ببینید.

**آقای علیزاده** - نه.

**آقای مدرسی‌یزدی** - ... خودشان می‌نوشتند با توجه به اختیاراتی که طبق آن قانون استفساریه دارند ...

**آقای مؤمن** - بله، می‌نوشتند و آقایان [در اداره‌ی حقوقی شورا] هم آن قانون استفساریه را ضمیمه‌ی مصوبه می‌کردند.

**آقای مدرسی‌یزدی** - عبارت [قانون استفساریه سال ۱۳۷۷] اعم است [و شامل اصلاحیه‌ی این اساسنامه نیز می‌شود].

**آقای مؤمن** - پس تفسیر مجلس بی‌جهت بوده است. هیئت وزیران که دل بخواهی نمی‌تواند اساسنامه تصویب کند یا آن را اصلاح کند. در آن استفساریه از مجلس پرسیدند وقتی که شما اجازه‌ی تصویب اساسنامه را به جایی دادید، آیا اگر آنها خواستند آن اساسنامه را تغییر دهند، برای این کار هم اجازه دارد؟ مجلس گفت: بله، این موارد را هم اجازه می‌دهیم.

**آقای مدرسی‌یزدی** - خب، بله.

**آقای مؤمن** - بر همین اساس، آقای رحیمی که معاون اول رئیس جمهور بود [در ابتدای مصوبات اصلاحی اساسنامه‌ها] می‌نوشت: با توجه به تفسیری که از مجلس انجام شده است [این اساسنامه، اصلاح می‌شود].

**آقای مدرسی‌یزدی** - بله، این درست است.

**آقای مؤمن** - اما در این اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی سازمان هدفمندی یارانه‌ها، نوشته که با توجه به آن قانون تفسیری، بلکه می‌گوید با استناد به خود این ماده (۱۵) [که راجع به صلاحیت تصویب خود اساسنامه است].

**آقای مدرسی‌یزدی** - درست است.

**آقای علیزاده** - مگر باید اینها را بگویند؟

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - اگر هیئت وزیران [آن قانون استفساریه را هم به عنوان مستندش] نگوید، باز هم [اصلاح اساسنامه بر همان اساس] است.

**آقای علیزاده** - اگر نگویند هم [به استناد قانون استفساریه سال ۱۳۷۷]، اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را دارند. ما باید ببینیم آیا اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را دارند یا ندارند.

**آقای مدرسی یزدی** - اساسنامه‌ی سازمان هدفمندی یارانه‌ها به استناد ماده (۱۵) تصویب شده است: «اساسنامه شرکت شامل ارکان، وظایف و اختیارات، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

**آقای مؤمن** - این عبارت ماده (۱۵) می‌گوید اساسنامه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. حالا این اساسنامه به تصویب رسیده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این مصوبه‌ی هیئت وزیران، اصلاح اساسنامه است. هیئت وزیران، اساسنامه‌ای که خود تصویب کرده را می‌تواند اصلاح هم بکند.

**آقای علیزاده** - قانون استفساریه سال ۱۳۷۷، اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را به دولت داده است.

**آقای مؤمن** - ولی باید در این اصلاحیه، مستند قانونیشان را ذکر می‌کردند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا باید؟

**آقای علیزاده** - حالا که تصریح نکرده‌اند، اشکال دارد؟! این اجازه دادن که استناد لازم ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اگر هیئت وزیران به آن قانون استفساریه استناد هم نکند، اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را دارد دیگر.

**آقای مؤمن** - این مصوبه دارد می‌گوید ما این اصلاحیه اساسنامه‌ی سازمان هدفمندی یارانه‌ها را به خاطر آن ماده (۱۵)، داریم تصویب می‌کنیم، در حالی که آن ماده، اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را به دولت نمی‌دهد. کجای این ماده، چنین اجازه‌ای به هیئت وزیران داده است؟

**آقای علیزاده** - آن ماده (۱۵) به هیئت وزیران اجازه‌ی تصویب اساسنامه را داده است و آن قانون استفساریه هم گفته است که هیئت وزیران می‌تواند آن را اصلاح کند.

**آقای مؤمن** - هیئت وزیران در این اصلاحیه، نگفته است که به استناد قانون استفساریه، این اساسنامه را اصلاح می‌کند.

**آقای علیزاده** - لازم نیست که حتماً بگوید. ما باید ببینیم که آیا هیئت وزیران اجازه‌ی قانونی [تصویب یا اصلاح اساسنامه] را دارد یا ندارد؟

**آقای مدرسی یزدی** - ... اجازه‌ای که بعداً دارند ...

**آقای مؤمن** - پس حرفشان غلط است.

**آقای علیزاده** - اصلاً اگر هیئت وزیران هیچ استناد قانونی هم برای اصلاح اساسنامه‌ی

سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نمی‌نوشتند، ایرادی نداشت.

**آقای مؤمن-** خب، حالا نوشته‌اند.

**آقای علیزاده-** اگر هیچ‌کدام از مستندات قانونی را نمی‌نوشتند، نه ماده (۱۵) و نه تفسیر سال ۱۳۷۷ مجلس، و می‌آمدند این اساسنامه را اصلاح می‌کردند، آیا ما به آن ایراد می‌گرفتیم؟ این اجازه را قانون به هیئت وزیران داده است.

**آقای مؤمن-** نه، [اگر مستند قانونی را ننویسند] حقی نداشتند. آیا حق داشتند اساسنامه را اصلاح کنند؟!

**آقای ابراهیمیان-** این مقدمه [که در ابتدای این اصلاحیه آمده است] در واقع مقدمه‌ی توجیهی ورود به مواد اصلاحی اساسنامه است. فرمایشات حضرت آیت‌الله مؤمن صحیح است؛ یعنی اگر هیئت وزیران می‌خواست مستند قانونی صحیح بنویسد باید آن قانون استفساریه سال ۱۳۷۷ مجلس را اضافه می‌کردند؛ متها این اشکال مغایرت با قانون اساسی پیش نمی‌آورد.

**آقای علیزاده-** با قانون اساسی مغایرتی ندارد.

**آقای مؤمن-** چرا؟

**آقای ابراهیمیان-** چون همان‌طور که فرمودند، دولت می‌تواند [بدون ذکر مستندات قانونی، صرفاً] بنویسد: «هیئت وزیران، اساسنامه را به شرح ذیل اصلاح می‌کند». هیچ مستند و توجیه قانونی هم ننویسد. قانون [تفسیر سال ۱۳۷۷ مجلس] توجیه و اجازه‌ی قانونی را به هیئت وزیران داده است.

**آقای علیزاده-** ایراد ندارد.

**آقای مؤمن-** چرا، ایراد دارد.

**آقای مدرس‌یزدی-** حالا یک تذکر کتبی بدهید. بگویید استناد قانونی شما برای اصلاح اساسنامه باید به این اصلاحیه ضمیمه بشود.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** خیلی خب.

**آقای علیزاده-** بنده نظرم این است که اگر هیئت وزیران به ماده (۱۵) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها هم استناد نمی‌کردند و این اساسنامه را اصلاح می‌کردند، ولی ما می‌فهمیدیم که در این خصوص ماده (۱۵) وجود دارد و قانون استفساریه‌ای هم وجود دارد، باز هم نمی‌توانستیم ایراد بگیریم. به نظر شما می‌توانستیم ایراد بگیریم؟

**آقای مدرسی یزدی** - بله، درست است، اما حالا که [مستند قانونی] ذکر کرده‌اند، کامل آن را انجام دهند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خیلی خوب، حالا اصلش را ببینیم.

**آقای یزدی** - با توجه به اینکه در این خصوص قانون [استفساریه سال ۱۳۷۷] وجود دارد، چه به آن قانون استناد کند و چه استناد نکنند، با توجه به اینکه استناد قانونی آن معلوم هست، ایرادی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چون هیئت وزیران این حق را دارد.

**آقای علیزاده** - اگر ایراد دیگری به این مصوبه گرفتیم، در این خصوص یک «تذکر» می‌دهیم، اما اگر ایراد نگرفتیم، چه بگوییم؟

**آقای جنتی** - اگر می‌خواهید نسبت به این موضوع رأی هم بگیرید، اشکالی ندارد؛ اما این ایراد، رأی مغایر با قانون اساسی ندارد.

**آقای علیزاده** - خوب، بقیه‌ی مصوبه را بخوانیم، ببینیم چیست؟

**منشی جلسه** - «... اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۰۱۹۷۵/ت/۴۴۲۵۲-هـ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ...»

**آقای مؤمن** - مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۷ هم غلط است. ما بالأخره در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۷ چنین مصوبه‌ای نداریم. تاریخ تصویب این اساسنامه ۱۳۸۹/۴/۲۷ است؛ «اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی»، در حالی که در اینجا نوشته: «مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۷».

**آقای مدرسی یزدی** - هیچ کدامشان درست نیست؛ چون مصوب ۱۵ دی ۱۳۸۸ است.

**آقای مؤمن** - نه.

**منشی جلسه** - تاریخ تصویب اساسنامه‌ی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها را می‌گوییم، نه قانون هدفمندکردن یارانه‌ها را.

**آقای مؤمن** - در نظر شورا بگوییم که این تاریخ هم غلط است؛ درستش کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - تذکر بدهید.

**منشی جلسه** - «۱- در ماده (۲) عبارت «و ۱۱» حذف می‌گردد.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا آن ماده (۲) چه بوده است؟



**منشی جلسه-** «ماده ۲- منابع سازمان، حاصل از مواد (۷)<sup>(۱)</sup> و (۸) و (۱۱) قانون

۱. مواد (۷)، (۸) و (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵: «ماده ۷- دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:

الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

ب- اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف از قبیل:

۱- گسترش و تأمین بیمه‌های اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین و ارتقاء سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص و صعب‌العلاج

۲- کمک به تأمین هزینه مسکن، مقاوم‌سازی مسکن و اشتغال

۳- توانمندسازی و اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی.

تبصره ۱- آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی شناسایی جامعه هدف، تشکیل و به‌هنگام سازی پایگاه‌های اطلاعاتی مورد نیاز، نحوه پرداخت به جامعه هدف و پرداخت‌های موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزراء امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- دولت می‌تواند حساب هدفمندسازی یارانه‌ها را به نام سرپرست خانواده‌های مشمول یا فرد واجد شرایط دیگری که توسط دولت تعیین می‌شود افتتاح نماید. اعمال مدیریت دولت در نحوه هزینه‌کرد وجوه موضوع این حساب از جمله زمان مجاز، نوع برداشت هزینه‌ها و برگشت وجوهی که به اشتباه واریز شده‌اند مجاز است.

ماده ۸- دولت مکلف است سی درصد (۳۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را برای پرداخت کمک‌های بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره‌شده برای اجراء موارد زیر هزینه کند:

الف- بهینه‌سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه‌جویی و رعایت الگوی مصرف که توسط دستگاه اجرایی ذی‌ربط معرفی می‌شود.

ب- اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره‌وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر

ج- جبران بخشی از زیان شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ناشی از اجراء این قانون

د- گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی در چهارچوب قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت و پرداخت حداکثر تا سقف اعتبارات ماده (۹) قانون مذکور

ه- حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی

و- حمایت از تولید نان صنعتی

ز- حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی

ح- توسعه خدمات الکترونیکی تعاملی با هدف حذف و یا کاهش رفت و آمدهای غیرضرور.

هدفمندکردن یارانه‌ها و دیگر قوانین و مقررات خواهد بود» که در این اصلاحیه، ماده (۱۱) را از متن آن، حذف کرده‌اند.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - ماده (۱۱) چه بوده است؟

**آقای عزیزاده** - ماده (۱۱) قانون را بخوانیم، ببینیم می‌توانند آن را حذف کنند یا نه؟

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - «ماده ۱۱ - دولت مجاز است تا بیست درصد (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه کند.»

**آقای عزیزاده** - اصل خود ماده (۲) را باید ببینیم چه بوده است؟ بعد ببینیم حالا که این ماده (۱۱) را حذف می‌کنند، اثر آن چیست؟

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - با این کار، منابع مالی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها را محدود کرده‌اند.

**آقای مؤمن** - نمی‌توانند.

**آقای یزدی** - منابع حاصل از اجرای ماده (۱۱) را حذف کرده‌اند.

**آقای مؤمن** - فقط مجلس می‌تواند چنین حکمی بدهد.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - نه، هیئت وزیران در این اصلاحیه، ماده (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها را به طور کلی لغو نمی‌کند، ولی آن را از لیست منابع مالی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها حذف کرده‌اند. یعنی ماده (۲) را محدود کرده‌اند، نه ماده (۱۱) را. به ماده (۱۱) قانون کاری ندارند. گفته‌اند منابع سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها را از (۲۰٪) خالص وجوه مذکور در ماده (۱۱) نگیرید، بلکه فقط از همان مواد (۷) و (۸) تأمین کنید.

**آقای مؤمن** - چرا؟ این حکم قانون است.

→

تبره - آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی حمایت از صنایع، کشاورزی و خدمات و نحوه پرداخت‌های موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزراء امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، جهادکشاورزی، بازرگانی، نفت، نیرو، کشور، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اتاق تعاون و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۱ - دولت مجاز است تا بیست درصد (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه کند.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - در اختیار خود دولت است.

**آقای مؤمن** - نه.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا، هیئت وزیران می‌توانست از اول هم این ماده (۲) را نگذارد.

**آقای مؤمن** - نه.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این ماده (۲) اساسنامه‌ی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است.

**آقای مؤمن** - نه، هیئت وزیران نمی‌تواند این بند اصلاحی را تصویب کند.

**آقای علیزاده** - ماده (۱۱) می‌گوید: «دولت مجاز است»، بنابراین دولت مکلف که نبوده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، [در ضمن، ماده (۲) متعلق به] اساسنامه‌ی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است، پس اصلاح آن، اشکالی ندارد.

**آقای مؤمن** - هیئت وزیران نمی‌تواند اساسنامه را این گونه اصلاح کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خود هیئت وزیران با تصویب اساسنامه‌ی این سازمان، گفته‌اند ماده (۱۱) جزء منابع مالی سازمان است، حالا هم با این اصلاحیه، آن را حذف کرده‌اند.

**آقای مؤمن** - خودشان نگفته‌اند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا، این سه تا ماده [= مواد (۷)، (۸) و (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها] را در ماده (۲) اساسنامه آورده‌اند.

**منشی جلسه** - مجلس گفته است که دولت مجاز است که از این منابع استفاده کند یا نکند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ماده (۲) را ببینید: «منابع سازمان حاصل از مواد (۷) و (۸) و (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و دیگر قوانین و مقررات خواهد بود.»

**آقای مؤمن** - چرا باید مصوبه‌ی هیئت وزیران، موجب لغو ماده (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها باشد؟ این ماده (۱۱)، مصوبه‌ی مجلس است نه جزء اساسنامه. مجلس به دولت می‌گوید دولت مجاز است تا (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را به منظور جبران آثار بر اعتبارات هزینه‌ای، هزینه کند.

**آقای یزدی** - نخیر، این ماده (۲) اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۷ است که می‌گوید: «ماده ۲ - منابع سازمان حاصل از مواد (۷) و (۸) و (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و دیگر قوانین و مقررات خواهد بود.» اینها منابع سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است که به موجب این اصلاحیه، ماده (۱۱) از بین این منابع حذف شد.

**آقای مؤمن** - حق ندارد بگوید.

**آقای یزدی** - چرا؟

**آقای مؤمن** - برای اینکه مجلس [در ماده (۱۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها] گفته [این منبع، جزء منابع] هست.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - ماده (۱۱) گفته دولت مجاز به استفاده از این منبع است.

**آقای مؤمن** - این یعنی دولت می‌تواند این منبع را مورد استفاده قرار بدهد یا ندهد! نه، دولت نمی‌تواند انجام ندهد. معنایش این نمی‌شود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - اساسنامه می‌گوید این منبع را جزء منابع سازمان به حساب نمی‌آوریم.

**آقای مؤمن** - نخیر، ممکن نیست. باید فقط این باشد. معنای ماده (۱۱) یعنی اینکه دولت مجاز است فقط تا (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه کند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - حالا دولت می‌گوید امسال قصد ندارم این (۲۰٪) را هزینه کنم.

**آقای مؤمن** - دولت حق ندارد برای امسال این کار را انجام دهد. این کار خلاف قانون است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - دولت مجاز است دیگر.

**آقای مؤمن** - نخیر.

**آقای سلیمی** - ماده (۱۱) دولت را مجاز می‌دانست که از این منبع، وجوهی را بردارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - تا (۲۰٪).

**آقای سلیمی** - خوب، اگر دولت این (۲۰٪) را بر نمی‌داشت، آیا کسی می‌توانست بگوید چرا بر نداشتی؟ خیر، چون مجاز بود دیگر. «دولت مجاز است»، یعنی می‌تواند بردارد و می‌تواند برندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - بله.

**آقای سلیمی** - حتی اگر هیئت وزیران، این مصوبه را هم تصویب نمی‌کرد، یعنی اگر این عبارت «و ۱۱» را هم حذف نمی‌کردند، اشکالی به وجود نمی‌آمد. پس حذف کردن این عبارت، آن اشکال را اضافه نمی‌کند و مشکلی به وجود نمی‌آورد.

**آقای علیزاده** - بودن ماده (۱۱) در ماده (۲) این اساسنامه غلط بود، لذا آن را برداشته‌اند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - کار درستی کرده‌اند.

**آقای علیزاده** - چرا غلط بود؟ چون ماده (۱۱) گفته جناب دولت، شما اختیار دارد آن (۲۰٪) را بردارید و برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی خود هزینه کنید. این، اصلاً منبع نیست. این اصلاً برای سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها منبع درآمد نبوده است که بخواهند آن را در اساسنامه‌ی سازمان به عنوان منبع درآمد بیاورند؛ حالا فهمیده‌اند که آن استناد به ماده (۱۱) بی‌جهت بوده است، بنابراین الآن آن ماده (۱۱) را حذف کرده‌اند.

**منشی جلسه** - ماده (۲) منابع مالی پرداخت یارانه بوده است.

**آقای ره‌پیک** - مواد (۷) و (۸) منبع پرداخت یارانه است.

**آقای علیزاده** - بله، مواد (۷) و (۸) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، منبع مالی پرداخت یارانه‌ها بوده است. مجلس در ماده (۱۱) قانون، به دولت اختیار داد که از منابع حاصل از آن، برای جاهای دیگر خرج کنند. اما دولت آن را به عنوان منبع سازمان در ماده (۲) اساسنامه آورد. این کار اصلاً از اول تصویب اشتباه بوده است که ماده (۱۱) را به عنوان منبع مالی سازمان آوردند. حالا هیئت وزیران آمده و آن را اصلاح کرده است.

**آقای مدرسی‌یزدی** - مواد (۷) و (۸) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها هم مانند ماده (۱۱) است.

**آقای ره‌پیک** - نه، مواد (۷) و (۸) درست است.

**آقای علیزاده** - مواد (۷) و (۸) از جنس درآمد است.

**آقای مدرسی‌یزدی** - نه، منظورم این است که این درآمد، برای سازمان نیست.

**آقای مؤمن** - چرا دیگر.

**آقای علیزاده** - درآمدهای مواد (۷) و (۸) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، در اختیار سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است.

**منشی جلسه** - مواد (۷) و (۸)، برای پرداخت یارانه است، اما ماده (۱۱) برای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است.

**آقای ره‌پیک** - سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها [منابع مالی حاصل از مواد (۷) و (۸) را] توزیع می‌کند.

**آقای علیزاده** - بله، اینها را سازمان توزیع می‌کند. این [ماده (۱۱)] ناشی از درآمد خود دولت است. اشتباه این مصوبه، این‌جوری است.

**منشی جلسه** - «۲- ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۸- مجمع عمومی سازمان مرکب از اعضای زیر می‌باشد:

- ۱- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (رئیس)
- ۲- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۴- وزیر صنعت، معدن و تجارت
- ۵- وزیر راه و شهرسازی
- ۶- وزیر جهاد کشاورزی
- ۷- وزیر نفت
- ۸- وزیر نیرو»

قبلاً تعداد اعضای مجمع عمومی سازمان (۱۶) نفر بود و ریاست آن با رئیس‌جمهور بود.<sup>(۱)</sup> الآن تعداد اعضا، کاهش پیدا کرده است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور را هم

۱. ماده (۸) اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۷: «ماده ۸- مجمع عمومی سازمان مرکب از اعضای زیر می‌باشد:

- ۱- رئیس‌جمهور (رئیس مجمع عمومی)
- ۲- معاون اول رئیس‌جمهور (نایب رئیس مجمع عمومی)
- ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۴- وزیر بازرگانی
- ۵- وزیر جهاد کشاورزی
- ۶- وزیر راه و ترابری
- ۷- وزیر رفاه و تأمین اجتماعی
- ۸- وزیر صنایع و معادن
- ۹- وزیر کشور
- ۱۰- وزیر نفت
- ۱۱- وزیر نیرو
- ۱۲- معاون حقوقی رئیس‌جمهور
- ۱۳- معاون امور مجلس رئیس‌جمهور
- ۱۴- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور
- ۱۵- معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور
- ۱۶- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.»

رئیس مجمع عمومی سازمان کرده‌اند.

**آقای یزدی-** این تغییر اعضاء که اشکالی ندارد.

**منشی جلسه-** «۳- متن زیر جایگزین ماده (۹) می‌گردد:

ماده ۹- اعضای هیئت مدیره متشکل از (۵) نفر می‌باشند که به پیشنهاد معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل از بین اعضای هیئت مدیره به پیشنهاد معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. احکام اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل توسط معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور صادر می‌شود.»  
قبلاً سه نفر بودند.<sup>(۱)</sup>

**آقای عزیزاده-** خیلی خوب، حالا پنج نفر شدند. اشکالی ندارد.

**منشی جلسه-** «۴- مواد (۱۰)، (۱۳) و (۱۵)<sup>(۲)</sup> حذف می‌شوند.»

**آقای عزیزاده-** این مواد هم جزء وظایف مجمع عمومی [و رئیس آن] بوده است؟ خیلی خوب، بهتر شد.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** عزل و برکناری و استعفای اشخاص و... که با رئیس مجمع عمومی بوده را حذف کرده‌اند.

**منشی جلسه-** «۵- در بند (۱) ماده (۱۶) عبارت «جهت تصویب» حذف می‌شود.»  
عبارت بند (۱) ماده (۱۶) اساسنامه این بوده است: «ماده ۱۶- هیئت مدیره وظایف و اختیارات زیر را دارا می‌باشد:

۱. ماده (۹) اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۷: «ماده ۹- اعضای هیئت مدیره حداقل سه نفر می‌باشند. مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و سایر اعضای هیئت مدیره با پیشنهاد معاون اول رئیس جمهور و تصویب مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط و حکم رئیس جمهور تعیین می‌شوند.»

۲. مواد (۱۰)، (۱۳) و (۱۵) اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۷: «ماده ۱۰- عزل و برکناری و موافقت با استعفای اشخاص مذکور، با رئیس مجمع عمومی می‌باشد.»  
ماده ۱۳- رئیس مجمع عمومی می‌تواند وظایف و اختیارات خود را به اشخاص دیگر عضو مجمع عمومی واگذار نماید.

ماده ۱۵- ساختار سازمان، با پیشنهاد مدیرعامل به تأیید رئیس مجمع عمومی می‌رسد.»

۱- رسیدگی و تهیه بودجه سالانه، گزارش‌های عملکرد ادواری و سالانه و صورت‌های مالی سازمان و ارائه آنها به مجمع عمومی جهت تصویب». عبارت «جهت تصویب» از این بند حذف شده است.

**آقای مؤمن-** یعنی هیئت مدیره خودش، [امور مذکور در بند (۱) را] تصویب می‌کند.

**آقای عزیزاده-** بله و به مجمع عمومی می‌دهد.

**آقای مؤمن-** بله دیگر، خود هیئت مدیره در این امور تصمیم می‌گیرند.

**منشی جلسه-** ۶- در ماده (۲۳) «و قراردادی» حذف می‌گردد.» ماده (۲۳) قبلاً این بوده: «ماده ۲۳- انتقال یا مأموریت کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی دستگاه‌های اجرایی به سازمان با موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی و مدیرعامل مجاز است.»

**آقای عزیزاده-** طبق قانون انتقال نیروهای قراردادی ممکن نیست. اصلاً انتقال نیروهای قراردادی معنا ندارد.<sup>(۱)</sup>

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** این مصوبه، اصلش اشتباه بود.

**منشی جلسه-** ۷- در ماده (۲۴) عبارت «و با تأیید مجمع عمومی به تصویب هیئت وزیران» جایگزین عبارت «به تصویب مجمع عمومی» می‌شود.»

**آقای یزدی-** ماده (۲۴) اساسنامه می‌گوید: «ماده ۲۴- آیین‌نامه‌های نظارتی، مالی، استخدامی و اداری با پیشنهاد معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.» حالا

۱. ماده (۱۲۰) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۱۲۰- کارمندان رسمی در یکی از حالات ذیل قرار خواهند داشت:

الف- اشتغال در یکی از پست‌های سازمانی؛

ب- مرخصی استعلاجی، استحقاقی و بدون حقوق؛

ج- آماده به خدمت به موجب ماده (۱۲۲) این قانون؛

د- انتقال یا مأموریت به دستگاه‌های اجرایی دیگر و یا مأموریت آموزشی برای طی دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت و یا کارآموزی؛

ه- انفصال موقت یا دائم و یا اخراج به موجب احکام قطعی مراجع قضایی و یا هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و یا احکام ماده (۹۱) این قانون؛

و- استعفا و بازخریدی به موجب احکام مذکور در این قانون و قانون رسیدگی به تخلفات اداری؛

ز- سایر حالات که در قانون رسیدگی به تخلفات اداری و سایر قوانین پیش‌بینی شده است.»



مجمع عمومی را حذف کرده‌اند. [در این بند اصلاحی] جایگزینی صورت گرفته است؛ یعنی به جای «به تصویب مجمع عمومی» عبارت «به تصویب هیئت وزیران» قرار می‌گیرد. خب اشکالی ندارد.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی** - حق تصویب را به هیئت وزیران داده‌اند. خب، بهتر شد.

**منشی جلسه** - «۸- با اعمال اصلاحات موضوع این تصویب‌نامه، شماره مواد به ترتیب اصلاح می‌شوند.»<sup>(۱)</sup>

## طرح یک‌فوریتی تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (اعاده شده از شورای نگهبان)

**منشی جلسه** - «طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (اعاده شده از شورای نگهبان)»<sup>(۲)</sup>

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۵۹۵۶/۱۱۷۱۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۸، اصلاح اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها مصوب جلسه مورخ دهم شهریورماه یکپزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. تذکر:

- تاریخ تصویب اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۰۱۹۷۵/ت۴۴۲۵۲-۵ مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۷ بوده که اشتهاً ۱۳۸۹/۵/۲۷ ذکر گردیده که باید اصلاح گردد.»

۲. طرح یک‌فوریتی تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۴۸/۳۶۱۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۶ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۷۴) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۷/۲ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم

**آقای جنتی** - خیلی خوب، [در این مصوبه، متن مورد ایراد شورای نگهبان] حذف شده است؛<sup>(۱)</sup> این تمام است دیگر.

**منشی جلسه** - بله، ایراد ما [در نظر شماره ۵۱۷۳۰/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰] این بوده است: «تکلیف دولت به اقدام قانونی لازم جهت دائمی نمودن قانون مذکور، مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

**آقای علیزاده** - آقایان اگر با این اصلاح به عمل آمده، باز هم به این مصوبه اشکالی دارند، بفرمایند.<sup>(۲)</sup>

### طرح اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی

**آقای علیزاده** - [سرانجام] آن طرح دوفوریتی [طرح اصلاح بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و

→

مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۵۱۸۹۰/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۱. مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۷/۲ مجلس برای رفع ایراد شورای نگهبان: «عبارت «دولت مکلف است اقدام قانونی لازم را جهت دائمی نمودن قانون، ظرف شش ماه از تاریخ تصویب، به عمل آورد» از انتهای ماده واحده حذف می‌شود.» گفتنی است طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی، که با ایراد شورای نگهبان مواجه شده بود، مقرر می‌داشت: «ماده واحده - مدت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ از تاریخ پایان مهلت اجرای آزمایشی قانون مذکور تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید می‌شود.»

دولت مکلف است اقدام قانونی لازم را جهت دائمی نمودن قانون فوق ظرف شش ماه از تاریخ تصویب تمدید، به عمل آورد.»

۲. نظر شماره ۵۱۸۹۰/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۴۸/۳۹۸۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳ و پیرو نامه شماره ۵۱۷۳۰/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰، طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث که با اصلاحاتی در جلسه مورخ دوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

تخصصی] که امروز در دستور بررسی مجلس بود، چه شد؟ شما متنش را ندارید؟  
اصلاً تصویب این طرح برای چه کاری بوده است؟

**آقای سوادکوهی-** متن طرح در [صحن علنی] مجلس تغییر کرده است.

**آقای علیزاده-** اصلاً هدف از تصویب این طرح چه بوده است؟

**آقای مدرسی یزدی-** موضوعش چیست؟

**آقای سوادکوهی-** موضوعش در رابطه با جذب دانشجو برای رشته‌های پزشکی و دستیاری پزشکی و اینها در مناطق محروم است؛ در رابطه با سهمیه‌ی مناطق محروم در قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی<sup>(۱)</sup> است که ظاهراً این سهمیه ۱۰٪ بود که آن را به ۳۰٪ تبدیل کرده‌اند؛ یعنی ۳۰٪ از این سهمیه‌ها را اختصاص داده‌اند به دانشجویان بومی و اضافه بر این برای مناطق محروم هم اولویت قائل شده‌اند. مجلس برای این مطلب چند تبصره هم در نظر گرفته است که به موجب این تبصره‌ها دانشجویانی که در مناطق محروم جذب می‌شوند باید سه برابر مدتی که در آن مقطع تحصیل می‌کنند را در آن مناطق کار کنند؛ مثلاً اگر دانشجویی مدت تحصیلش هفت سال طول می‌کشد، موظف است بیست و یک سال در آن منطقه خدمت کند، ولی درباره‌ی جابه‌جایی دانشجویها که ظاهراً بعد از

۱. ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹: «ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون سهمیه‌بندی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی (اعم از رشته‌های پزشکی و غیرپزشکی) در کلیه دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی به جز مواردی که در ذیل آمده ممنوع است:

۱- ...

۲- ...

۳- ده درصد (۱۰٪) سهمیه مازاد بر ظرفیت در رشته‌های دستیاری پزشکی (رشته‌های مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به مناطق محروم به داوطلبان بومی اختصاص می‌یابد و پذیرفته‌شدگان مکلفند به مدت سه برابر طول مدت تحصیل را صرفاً در مناطق محروم خدمت کنند و افرادی که سابقه خدمت در این مناطق را دارند حداکثر تا پنج سال از تعهد خدمتشان کسر می‌گردد.  
تبصره- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی علاوه بر سهمیه تعیین شده برای دستیاری پزشکی در این بند، می‌تواند سهمیه خاص مازاد بر ظرفیت اعلام شده برای نقاط محروم و تخصص‌های مورد نیاز از داوطلبان زن و با تصویب هیئت وزیران اعمال نماید. پذیرش‌شدگان ملزم به تعهد خدمت عنوان‌شده در این بند می‌باشند.»

جذب از این دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های بهتر می‌رفتند، این ممنوعیت را قائل شدند که تا تعهدشان پایان نپذیرفته است در آن مناطق باقی بمانند. بنابراین نقل و انتقال و جابه‌جایی‌شان را هم با این قانون منع کرده‌اند. ظاهراً یک سری امتیازات هم برای این دانشجویان قائل شده‌اند که اگر بخواهند برای مقاطع بالاتر تحصیل کنند باید حداقل نصف این مدتی که تعهد دارند را سپری کرده باشند. یک مسئله هم مربوط می‌شود به آن قوانین و مقرراتی که مغایر با این موارد هست که آن را هم در اینجا پیش‌بینی کرده‌اند که همگی لغو می‌شود. عمده‌ی مباحثش همین موارد است.

**آقای عزیزاده-** بله، [قانون قبلی تغییر کرده است]. آنچه قبلاً بود ۱۰٪ است، اما الآن در ابتدای بند (۳) ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹، عبارت ۱۰٪ به عبارت حداقل ۳۰٪ تغییر می‌کند. حالا مجلس در این قانون، تغییرات زیادی داده و گفته است که: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است سی درصد (۳۰٪) ورودی‌های رشته‌های پزشکی عمومی، دستیاری تخصصی پزشکی و سایر رشته‌های گروه پزشکی را از طریق جذب دانشجوی بومی با اولویت مناطق محروم و متناسب با نیاز استان‌ها و در چارچوب نظام سطح‌بندی پذیرش نماید.»

**آقای مؤمن-** حالا این را بگذارید تا [مصوبه‌اش از سوی مجلس به شورای نگهبان] بیاید. فعلاً آن دو مصوبه‌ی دیگر را بررسی کنید.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** مصوبه‌ی مربوط به قانون معادن را بخوانید.

**آقای عزیزاده-** مصوبه‌ی معادن یک کمی حرف دارد، فعلاً بماند. بهتر است مصوبه‌ای که بحث کمتری دارد را [در این زمان مختصر] بخوانیم.<sup>(۱)</sup>

## لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست (اعاده شده از شورای نگهبان)

**منشی جلسه-** دستور جلسه‌ی بعدی، بررسی «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست (اعاده شده از شورای نگهبان)»<sup>(۲)</sup> است.

۱. ادامه‌ی بررسی تفصیلی این مصوبه، در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان ادامه یافته است.

۲. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ به

اشکال شورای نگهبان [در اظهار نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰] نسبت به ماده (۲۲) مصوبه، این بوده است: «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در ماده (۲۲)، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است. علاوه بر این عدم ذکر مشخصات واقعی (من جمله اسم پدر و مادر واقعی) کودک یا نوجوان و ذکر نام پدرخوانده و مادرخوانده نباید به نحوی باشد که این امر را القاء کند که فرزند اصلی پدرخوانده و مادرخوانده است و آلا اشکال دارد.»<sup>(۱)</sup>

→

تصویب نمایندگان مجلس رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۸۸/۳۴۸۵۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۸/۸/۶ خود بررسی کرد و آن را مغایر با موازین شرع تشخیص داد و مصوبه را برای رفع ایراد به مجلس بازگرداند. این نظر شورای نگهبان طی نامه‌ی شماره ۸۸/۳۰/۳۶۳۷۴ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۱ به مجلس اعلام شده است. پس از آن، رفت و برگشت این مصوبه میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در چندین مرحله دیگر نیز ادامه یافت. شورای نگهبان در مرحله‌ی دوم رسیدگی به مصوبه‌ی اصلاحی مجلس، آن را در جلسات مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۵ و ۱۳۸۸/۱۲/۲۶، در مرحله‌ی سوم در جلسات مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۳، ۱۳۹۱/۲/۲۰، ۱۳۹۱/۲/۲۷ و ۱۳۹۱/۲/۲۸، در مرحله‌ی چهارم در جلسات مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۷، ۱۳۹۱/۵/۱۱ و ۱۳۹۱/۵/۱۸، در مرحله‌ی پنجم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ و در مرحله‌ی ششم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع یا قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۸۸/۳۰/۳۷۷۵۷ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶، ۹۱/۳۰/۴۶۷۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۸، ۹۱/۳۰/۴۷۸۴۰ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲۵، ۹۱/۳۰/۴۹۶۴۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ و ۹۲/۳۰/۵۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی هفتم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. مشروح مذاکرات پیش رو، مربوط به آخرین مرحله‌ی بررسی این مصوبه در شورای نگهبان است.

۱. ماده (۲۲) مصوبه (اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸) که به شرح فوق با ایراد شورای نگهبان مواجه شده، به شرح زیر بوده است: «ماده ۲۲- پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است که نام کودک یا نوجوان تحت سرپرستی را در اسناد سبجی زوجین سرپرست وارد کند و همچنین شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام زوجین سرپرست و نام و نام خانوادگی سرپرست صادر کند و در قسمت توضیحات شناسنامه، ضمن ذکر مشخصات واقعی کودک یا نوجوان قید نماید این شناسنامه به موجب حکم دادگاه موضوعیت فرزندخواندگی که کودک یا نوجوان مذکور را فرزند زوجین با ذکر نام و نام

←

مجلس [برای برطرف کردن ایراد شورای نگهبان] این ماده را به این نحو اصلاح کرده است: «ماده (۲۲) و تبصره (۲) آن به شرح زیر اصلاح می‌شود و تبصره‌های (۱) و (۳) آن به قوت خود باقی می‌ماند:

ماده ۲۲- پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید. تبصره ۱- ...

تبصره ۲- کودک یا نوجوان تحت سرپرستی می‌تواند پس از رسیدن به سن هجده سالگی، صدور شناسنامه جدیدی را برای خود با درج نام والدین واقعی در صورت معلوم بودن، یا نام خانوادگی مورد نظر وی، در صورت معلوم نبودن نام والدین واقعی، از اداره ثبت احوال درخواست نماید.

تبصره ۳- ...»

**آقای عزیزاده-** ایراد اولیه‌ی شورا به ماده (۲۲) را هم بخوانید.

**منشی جلسه-** ایراد اولیه شورای نگهبان [در اظهار نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۹۶۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶] این‌طور بوده است که: «در ماده (۲۲)، عدم ذکر مشخصات واقعی طفل

→

خانوادگی زوجین محسوب می‌نماید، صادر گردیده است.

تبصره ۱- اداره ثبت احوال مکلف است سوابق هویت و نَسَب واقعی طفل را در پرونده وی حفظ نماید.

تبصره ۲- در قسمت توضیحات شناسنامه زوجین سرپرست، نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و فرزندخوانده‌بودن وی نیز قید می‌شود.

تبصره ۳- اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان ثبت احوال کشور و با همکاری سازمان تهیه می‌شود و ظرف سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

و فرزندخوانده بودن او در شناسنامه وی و زوجین سرپرست، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - این ماده‌ی اصلاحی هم که مثل همان ماده‌ی قبلی است! **آقای مؤمن** - نه، همین آخرش اصلاح شده است؛ شما در ایراد قبلی گفتید که [در ماده (۲۲)] چون درج اسم پدر و مادر واقعی طفل در شناسنامه‌ی او را نگفته است، این مصوبه اشکال دارد که مجلس در قسمت ذیل این ماده‌ی اصلاحی این ایراد را رفع کرده است: «و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید.» چون قبلاً گفته شده بود فقط نام و نام خانوادگی سرپرست بیاید، ولی الآن نام پدر و مادر واقعی بچه هم در شناسنامه قید می‌شود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - خب، اگر والدین واقعی طفل مشخص نبودند، چه؟ چون ماده‌ی اصلاحی می‌گوید در صورت مشخص بودن نام والدین واقعی، حکم سرپرستی در شناسنامه قید می‌شود.

**آقای مؤمن** - حالا همین دیگر. مجلس این ماده را به این نحو اصلاح کرده است.

**آقای مدرسی‌یزدی** - اصلاح انجام شده، ناقص است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - بله، متن ماده ناقص نوشته شده است؛ می‌گوید در صورتی که والدین واقعی مشخص باشند [حکم سرپرستی در شناسنامه قید می‌شود] ولی اگر مشخص نبود، قید نمی‌شود. پس این ماده هم مثل همان ماده‌ی قبلی می‌شود.

**آقای یزدی** - اگر والدین واقعی مشخص نباشند باز هم نمی‌توان گفت که اینهایی که کودک را سرپرستی می‌کنند، پدر و مادر واقعی‌اش هستند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - بله.

**آقای سلیمی** - [اگر والدین واقعی مشخص نباشند] در شناسنامه‌ی کودک می‌نویسند والدین واقعی او مشخص نیست.

**آقای مؤمن** - نه.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - باید بنویسند [که این سرپرستان، والدین واقعی طفل نیستند].

**آقای علیزاده** - الآن قید ماده (۲۲) این‌طور است که در مواردی که والدین واقعی کودک مشخص هستند، نام آنها در قسمت توضیحات شناسنامه نوشته می‌شود، ولی

اگر والدین واقعی مشخص نباشند، چیزی نمی‌نویسند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، نمی‌نویسند.

**آقای مدرسی یزدی** - اکثر والدین فرزندخوانده‌ها هم نامشخص هستند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، اکثراً والدین اینها نامشخص‌اند.

**آقای مؤمن** - [در هر صورت،] مفاد حکم سرپرستی را در شناسنامه این اطفال می‌نویسند.

**آقای عزیزاده** - بسیاری از این بچه‌ها لقیط<sup>(۱)</sup> هستند؛ آنها را پیدا می‌کنند و اصلاً نمی‌دانند والدین واقعی‌شان چه کسانی هستند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - باید [در شناسنامه‌ی این‌طور بچه‌ها] بنویسند که [سرپرستانی که نامشان به عنوان پدر و مادر در شناسنامه این اطفال ذکر شده] پدر و مادر واقعی‌شان نیستند.

**آقای مؤمن** - ذکر مفاد حکم سرپرستی در شناسنامه‌ی این بچه‌ها، مشکل را حل نمی‌کند؟  
**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، ماده (۲۲) می‌گوید اشاره به حکم سرپرستی فقط در حالتی است که والدین کودک مشخص باشند. این ماده می‌گوید در صورت مشخص بودن والدین، حکم را هم قید کنید؛ یعنی اگر والدین مشخص نبود حکم هم قید نمی‌شود.  
**آقای یزدی** - اگر اطلاعات شناسنامه به همین اندازه باشد که مشخص شود این افراد سرپرست هستند نه والدین واقعی، کافی است.

**آقای مؤمن** - بله، می‌دانم.

**آقای ره‌بیک** - صدر ماده می‌گوید که باید «نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند».

**آقای هاشمی شاهرودی** - بحثمان درباره‌ی شناسنامه است.

۱. «لقیط» در لغت به معنای «از زمین برگرفته» و «نوزاد بر زمین افکنده» و ... آمده است. به همین سبب، به شیء برداشته‌شده از زمین، لقیط گفته می‌شود. در شرع مراد از لقیط، کودکی است مجهول‌النسب که او را از بینوایی یا خوف از هتک ناموس و... بر زمین افکنده باشند. در اصطلاح فقه نیز به انسان گمشده‌ای که متکلی ندارد و خود نیز نمی‌تواند مستقلاً زیست کند، اطلاق می‌شود. بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «لقیط».



**آقای عزیزاده-** ایراد شورا هم به بحث شناسنامه است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** این مطلب باید در شناسنامه ذکر شود. شناسنامه‌ی هر کسی دست خودش است و با این سند است که به هر جایی مراجعه می‌کند، همسر می‌گیرد یا کارهای دیگر انجام می‌دهد. کسی که به اسناد دیگر اشخاص نگاه نمی‌کند، [بلکه همه به همین شناسنامه‌ی طرف مقابل توجه می‌کنند و آن را به عنوان سند معتبر به رسمیت می‌شناسند]. اشکال ما هم همین بود و آلاً چرا اشکال کردیم؟ اشکالمان این بود که [وضعیت واقعی کودک از حیث نَسَب] باید در شناسنامه‌ی آنها بیاید تا واقعاً «تَبَنی»<sup>(۱)</sup> شکل نگیرد.

**آقای ابراهیمیان-** اسناد سجلی، شناسنامه را هم در برمی‌گیرد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** نخیر، در بر نمی‌گیرد. مجلس خودش اول گفته بود که اگر آن [شناسنامه] را نداشت، این [اسناد سجلی] را هم اضافه نمی‌کردند.

**آقای عزیزاده-** منظور از اسناد سجلی، آن سندی است که در اداره‌ی ثبت احوال است.

**آقای مدرسی‌یزدی-** البته ماده (۲۲) در ادامه، بحث شناسنامه را هم دارد.

**آقای شب‌زنده‌دار-** عبارت «در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی ...» یعنی چه؟

**آقای مؤمن-** بله، این عبارت «مفاد حکم سرپرستی» یعنی چه؟ من می‌گویم این عبارت «مفاد حکم سرپرستی» یعنی در شناسنامه می‌نویسند این افراد به عنوان سرپرست این

۱. تَبَنی در لغت به معنای «به فرزندی پذیرفتن» و «فرزندخواندگی» آمده است (بنگرید به لغت‌نامه‌ی دهخدا و فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه «تَبَنی»). لیکن در اصطلاح شرعی به نوعی از فرزندخواندگی گفته می‌شود که در دوره‌ی جاهلی (عصر پیش از بعثت پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه)، مرسوم بود که بر اساس آن، برخی خانواده‌ها کودکانی از غیرخانواده‌ی خود را به عنوان فرزند خویش می‌پذیرفتند و تمامی حقوق یک فرزند از قبیل ارث بردن از یکدیگر، حرمت ازدواج با زن پدر و حرمت ازدواج پدر با زن پسر را برای او منظور می‌کردند. با ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه، این سنت غلط برداشته شد و قرآن کریم در آیه (۴) سوره احزاب (و ما جَعَلَ ادْعَاءَکُمْ اَبْنَاءَکُمْ: خداوند فرزندان‌خوانده‌های شما را فرزندان (حقیقی) شما قرار نداده است)، با صراحت آن را نفی کرد. از این رو، در اسلام، فرزندی، تنها از راه تولد و رَجْم ثابت می‌شود و به فرزندی گرفتن دیگری، به گونه‌ای که آثار فرزند واقعی را بر آن مترتب سازد، حرام اعلام شده است. (برای آگاهی بیشتر در این خصوص، بنگرید به: طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ هـ.ق.، ص ۲۷۵؛ موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، ارشاد السائل، ج ۱، بیروت، دارالصفوه، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.، ص ۱۱۴)

کودک یا نوجوان هستند.

**آقای علیزاده-** در ماده (۲۲) نگفته که حکم سرپرستی را در شناسنامه بنویسند.

**آقای مؤمن-** چرا، گفته در قسمت توضیحات شناسنامه نوشته شود. در ماده (۲۲) نوشته شده: «در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی» را می‌نویسند.

**آقای مدرسی یزدی-** نسبت به این ماده، یک ابهام بگیرید که در صورت مشخص نبودن والدین واقعی چه وظیفه‌ای به عهده‌ی [سازمان ثبت احوال است؟]

**آقای یزدی-** اصولاً اینکه بگوییم پدر و مادر این بچه مشخص نیست، کار درستی نیست؛ اما این هم که بگوییم سرپرستان طفل، پدر و مادر واقعی او هستند هم خلاف شرع است. من می‌خواهم بگویم طرف مثبت را بگوییم ولی طرف منفی را نگوییم؛ یعنی بگوییم این بچه تحت سرپرستی این پدر و مادر است.

[اگر پدر و مادر واقعی بچه مشخص هستند، بگوییم] پدر و مادر این بچه چه کسانی هستند، اما اگر پدر و مادرش واقعی‌اش معلوم نیستند، ما نباید بگوییم پدر و مادرش معلوم نیست.

**آقای علیزاده-** این مطلب را اصلاحیه‌ی فعلی هم گفته است. ماده (۲۲) گفته است که: «با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی ...».

**آقای یزدی-** بله همین دیگر؛ به نظر من همین کافی است.

**آقای شبزنده‌دار-** نه.

**آقای یزدی-** من می‌خواهم بگویم که از جهت نفی‌اش را نیاوریم.

**آقای علیزاده-** نه.

**آقای ره‌بیک-** نه.

**آقای یزدی-** حالا بعضی از آقایان می‌گویند: در صورت مشخص نبودن والدین بچه چه کار باید کرد. [به نظر من] اگر پدر و مادر واقعی بچه مشخص نبود، نباید بگوییم این بچه کسی است که پدر و مادرش مشخص نیستند؛ ثبت این مطلب کار درستی نیست. ما نباید بچه‌ای را بی‌پدر و مادر معرفی کنیم. نباید در شناسنامه بنویسند این بچه پدر و مادر مشخصی ندارد.

**آقای مؤمن-** [مجلس] هم همین را می‌گوید. مفاد حکم سرپرستی را در قسمت

توضیحات شناسنامه می‌نویسند. نام و نام خانوادگی والدین واقعی را هم در صورت مشخص بودن در شناسنامه‌ی بچه می‌نویسند.

آقای یزدی- خب، همین کافی است.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** این قید «در صورت مشخص بودن» به ذیل ماده بر می‌گردد یا به همه‌ی ماده؟ شاید به اصل موضوع برگردد؛ یعنی اگر بچه پدر و مادر مشخصی نداشت، در شناسنامه‌ی او چیزی در این باره نمی‌نویسند.

**آقای مؤمن-** نه، در صورت مشخص بودن والدین واقعی، اسم آنها را در شناسنامه‌ی بچه قید می‌کنند. همچنین باید مفاد حکم سرپرستی را هم در شناسنامه‌ی او بنویسند.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** عبارت ماده (۲۲) دقیقاً چیست؟

**آقای عزیزاده-** این عبارت ماده، ابهام دارد. حاج آقای مدرسی یزدی هم در این باره، یک استنباط دیگری را فرمودند.

**آقای سلیمی-** حکم سرپرستی؛ یعنی دادگاه حکم داده که این فرزند به دلیل اینکه سرپرست صحیحی ندارد، ولی ندارد یا ولی بدی دارد باید تحت سرپرستی دیگری قرار بگیرد. این ماده می‌گوید این حکم دادگاه را در قسمت توضیحات شناسنامه‌ی بچه بیاورید که معلوم شود این بچه متعلق به این خانواده نیست، بلکه برای سرپرستی به آنها واگذار شده است. دلیل این کار هم این است که تحویل بچه به سرپرست به حکم دادگاه انجام شده است.

**آقای یزدی-** بله، این کافی است.

**آقای سلیمی-** بعد هم آمده در ذیل ماده می‌گوید اگر پدر و مادر واقعی بچه مشخص است، اسم آنها را در قسمت توضیحات شناسنامه بیاورید. این مطالب را در توضیحات شناسنامه می‌آورند تا شناسنامه‌ای که برای بچه به نام سرپرست‌ها صادر شده، نشان بدهد این پدر و مادر و فامیل و اقوام، پدر و مادر و فامیل واقعی بچه نیستند و خانواده‌ی واقعی همان است که در توضیحات شناسنامه آمده است. خب، اگر کسی پدر و مادر ندارد و بچه‌ی سر راهی است، باید در شناسنامه‌اش بنویسیم سر راهی است؟!

**آقای عزیزاده-** آن را هم می‌نویسند.

**آقای یزدی-** نه.

**آقای سلیمی-** نه دیگر.

**آقای علیزاده-** نمی نویسند سر راهی است، می گوید این با توجه به...

**آقای سلیمی-** در شناسنامه این بچه بنویسند این سر راهی است!

**آقای علیزاده-** نه نمی نویسند.

**آقای سلیمی-** خب، شما می گوید بنویسند! پس دیگر لازم نیست این [موضوع نامشخص بودن پدر و مادر واقعی طفل] را در توضیحات شناسنامه اش بنویسند.

**آقای یزدی-** نباید بنویسند.

**آقای سلیمی-** پس در این صورت، این ماده (۲۲)، اشکالی ندارد.

**آقای یزدی-** لازم است ننویسند.

**آقای علیزاده-** اجازه بدهید یک بار دیگر من این ماده را از اول بخوانم.

**آقای سلیمی-** همین ذکر «حکم سرپرستی» در شناسنامه، منظور آقایان را تأمین می کند و از آن معلوم می شود که این فرزند متعلق به پدر و مادری که نام آنها در شناسنامه اش ثبت شده، نیست.

**آقای یزدی-** همین کافی است.

**آقای سلیمی-** حکم دادگاه هم [که در توضیحات شناسنامه ی بچه می آید] با توضیحاتی که در آن هست، مشخص می کند [که وضعیت واقعی آن بچه چیست]؛ مگر اینکه بفرمایید باید بگویم حتماً در شناسنامه بنویسند که این آدم بی پدر و مادر است! منظورم این نیست که این حرف درست نیست [ولی همین حرف بعداً بچه را دچار مشکل می کند].

**آقای علیزاده-** من یک بار دیگر ماده (۲۲) را می خوانم؛ اگر اشکال دارد، بفرمایید. «ماده ۲۲- پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین...»، به این قسمت ماده توجه کنید: «... مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه...»؛ گفته در هر دو [اسناد سجلی و شناسنامه] می نویسند؛ [پس اشکالی ندارد].

**آقای رهپیک-** این قسمت، راجع به سرپرست است.

**آقای علیزاده-** بله، گفته «... سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند.»

**آقای رهپیک-** ولی همان ذیل عبارت که راجع به شناسنامه ی بچه گفته است را هم

ببینید؛ مشکل را رفع کرده است.

**آقای یزدی-** یعنی این طوری می‌خواهند بگویند که اینها سرپرست این بچه هستند [نه پدر و مادر واقعی بچه].

**آقای مؤمن-** ادامه‌ی ماده را هم بخوانید.

**آقای علیزاده-** «... همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید.»  
این عبارت «در صورت مشخص بودن»، به والدین برمی‌گردد.

**آقای رهپیک-** بله، درست است.

**آقای مدرسی یزدی-** من یک عرضی دارم. حکم سرپرستی بیان نمی‌کند که این شخص پدر واقعی بچه است یا نه؟ مثلاً اگر پدر و مادری با همدیگر اختلاف دارند و هرکدام حضانت بچه را حق خودش می‌داند، خب در این صورت، اگر حکم سرپرستی داده شود، چه می‌شود؟

**آقای رهپیک-** بحث ماده (۲۲) شامل این موضوع نمی‌شود.

**آقای مؤمن-** بله، این ماده و بحث سرپرستی، اصلاً ارتباطی با بحث حضانت ندارد.

**آقای مدرسی یزدی-** این را به عنوان مثال عرض کردم. منظورم این است که معلوم نیست در حکم سرپرستی چه می‌نویسند و مفاد آن چیست. واقعاً معلوم نیست. ممکن است در یک حکمی مثلاً پدربزرگ را سرپرست کودک یا نوجوان کرده باشند یا از این قبیل. به هر حال، حکم سرپرستی باید معلوم باشد.

**آقای علیزاده-** حکمی که برای پدربزرگ یا مادر یا دیگر افراد از این قبیل می‌دهند، حکم ولی است و ربطی به حکم سرپرستی [مذکور در ماده (۲۲)] ندارد. آن حکم سرپرستی به معنای حضانت، غیر از سرپرستی است که در این ماده مطرح است.

**آقای مدرسی یزدی-** باید ببینیم در مفاد حکم سرپرستی واقعاً چه چیزی نوشته می‌شود. اگر مفاد آن گویا هست که این پدر واقعی نیست و «سرپرستی» [مذکور در این ماده] فقط و فقط به غیر پدر و پدربزرگ داده می‌شود، عیبی ندارد، ولی اگر مفادش این‌طور نباشد، این ماده اشکال دارد. به نظر من ماده (۲۲) ابهام دارد.

**آقای یزدی-** فرض این است که [تحویل بچه به سرپرست] از طرف بهزیستی است.

**آقای مدرس یزدی-** باشد، اینها را که [در حکم سرپرستی] نمی‌نویسند. اگر این مطالب را هم در حکم سرپرستی بنویسند که عیبی ندارد. «سرپرستی» در اینجا مبهم است.

**آقای علیزاده-** مجلس یک مصوبه با عنوان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست نوشته است؛ فقط این یک ماده را که نوشته است!

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** من پیشنهادی دارم. اگر نمایندگان مجلس ماده (۲۲) را این‌طور می‌نوشتند که در قسمت توضیحات شناسنامه قید بشود این پدر و مادر، سرپرست هستند؛ یعنی پدر و مادر واقعی فرد نیستند، [بهتر نبود]؟ اصلاً چه کار به پدر و مادر واقعی بچه دارند؟! اگر این‌طور می‌نوشتند، چه آن بچه پدر و مادر واقعی را داشته باشد و چه نداشته باشد، اشکالی پیش نمی‌آمد. این‌طوری مشخص می‌شود که اینها پدر و مادر واقعی‌اش نیستند، بلکه سرپرستش هستند. باید همین را می‌نوشتند. این‌طوری دیگر بین اینک والدین اصلی کودک یا نوجوان مشخص باشد یا مشخص نباشد هم فرقی نمی‌کند.

**آقای مدرس یزدی-** بله.

**آقای مؤمن-** چیزی که الآن در این ماده نوشته‌اند هم ایراد ندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** چرا، ایرادش این است که در آنجایی که پدر و مادر واقعی کودک مشخص نیست، مشخص نمی‌شود که این سرپرستانی که نامشان در شناسنامه‌ی کودک آمده، پدر و مادر واقعی‌اش هستند یا نیستند.

**آقای مؤمن-** اصلاً فرض بر این است که [حکم سرپرستی مشتمل بر این موارد هم هست].

**آقای ره‌بیک-** خب حکم سرپرستی، مفادش همین است دیگر.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** مفاد حکم سرپرستی چیست؟! مفادش مجمل است.

**آقای مدرس یزدی-** بحث سرپرستی مجمل و مبهم است و [معلوم نیست] که چیست. این مصوبه یک موضوع و عنوانی که سرپرستی را تعریف کرده باشد که ندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** در شناسنامه‌ی کودک اقلاً بنویسند که اینها والدین سرپرستی او هستند نه والدین واقعی‌اش؛ چه پدر و مادر واقعی کودک مشخص باشند یا نباشند. اگر این‌طور می‌نوشتند کافی بود.

**آقای مدرس یزدی-** به ماده (۲۲) ابهام بگیرید، کافی است.

**آقای یزدی-** نه دیگر، نباید ابهام بگیریم. با همین عبارتی که در ماده (۲۲) آمده معلوم است که اینها پدر و مادر سرپرستی‌اند، نه پدر و مادر واقعی.

**آقای هاشمی‌شاهرودی-** در شناسنامه باید همین که اینها والدین سرپرستی هستند را بگویند.

**آقای مدرسی‌یزدی-** باید همین را بگویند.

**آقای یزدی-** اگر اینها پدر و مادر واقعی او بودند که در شناسنامه می‌نوشتند پدر و مادر واقعی او هستند؛ پس بنابراین مشخص است که اینها سرپرست‌اند و پدر و مادر واقعی بچه نیستند. اما اگر بچه پدر و مادر واقعی‌اش مشخص هستند، اسم آنها جداگانه [در قسمت توضیحات شناسنامه] نوشته می‌شود و اگر مشخص نیست [شناسنامه در این باره] مسکوت است. همین. نباید بنویسند فلان بچه- نعوذ بالله- بی‌پدر و مادر است.

**آقای مدرسی‌یزدی-** ما الآن نمی‌دانیم مفاد حکم سرپرستی چگونه است. به نظر من [ماده (۲۲)] ابهام دارد.

**آقای یزدی-** ماده (۲۲) را بخوانید. به نظر من اشکال آن رفع شده است، منتها این ماده نسبت به جایی که پدر و مادر بچه مشخص نیست، مسکوت است.

**آقای سلیمی-** به هر حال چون در شناسنامه‌ی سرپرست یا سرپرستان ذکر می‌شود که این بچه، فرزندخوانده‌ی آنها است و فرزند واقعی‌شان نیست، آن مشکل برطرف می‌شود. [سازمان ثبت احوال] خودش این موضوع را در شناسنامه‌ی سرپرستان قید می‌کند.

**آقای مدرسی‌یزدی-** اگر این موضوع قید بشود که حرفی نیست.

**آقای یزدی-** بله، قید می‌شود.

**آقای مدرسی‌یزدی-** کجا قید می‌شود؟

**آقای سلیمی-** صدر ماده را ببینید که گفته است حکم سرپرستی قید می‌شود؛ «... و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند».

**آقای مدرسی‌یزدی-** این ماده ذکر حکم سرپرستی در شناسنامه‌ی سرپرستان را گفته است نه شناسنامه‌ی بچه.

**آقای ره‌پیک-** نه، در شناسنامه‌ی بچه هم هست.

**آقای مدرسی‌یزدی-** نه، می‌گوید: «شناسنامه سرپرست».

**آقای عزیززاده-** ذیل ماده (۲۲) که در مورد بچه است.

**آقای رهپیک-** ذیل ماده در مورد بچه است و می‌گوید مفاد حکم سرپرستی در شناسنامه‌ی بچه هم وارد می‌شود.

**آقای مدرس‌ی‌زیدی-** می‌دانم، متنها در آنجا اصلاً معلوم نیست مفاد حکم سرپرستی چیست.

**آقای رهپیک-** حالا آن یک بحث دیگری است.

**آقای یزدی-** به پدر و مادر که حکم سرپرستی نمی‌دهند. حکم سرپرستی که در اینجا مطرح است، بحث دیگری است که مربوط به بهزیستی است.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** [درباره‌ی ماده (۲۲)] رأی بگیرید.

**آقای شب‌زنده‌دار-** بالاخره بعضی افراد مثل آقای مدرس‌ی‌زیدی این‌طور به ذهنشان می‌آید که عبارت «در صورت معلوم نبودن نام والدین واقعی» به کل ماسبق برمی‌گردد.

**آقای مدرس‌ی‌زیدی-** نه، این موضوع به ذهن من نمی‌آید.

**آقای شب‌زنده‌دار-** احتیاط در دین در اینجا این‌طور است که این عبارت، واضح واضح باشد. حالا حاج آقا [مدرس‌ی‌زیدی] یا هر کس دیگر این‌طور به ذهنشان می‌آید. چه اشکالی دارد که ما این عبارت را صاف و واضح بنویسیم تا ذو و جهین نباشد، ولو یک وجه آن خیلی ضعیف باشد.

**آقای یزدی-** در ماده (۲۲) تکلیف وجهی که پدر و مادر واقعی کودک مشخص است، روشن است. درباره‌ی وجه دیگر هم نباید بنویسند والدینش مشخص نیست.

**آقای شب‌زنده‌دار-** یعنی [در این حالت دوم، در شناسنامه‌ی بچه] مطلقاً باید بنویسند این والدین، سرپرست هستند.

**آقای یزدی-** بله.

**آقای شب‌زنده‌دار-** مقصود آقایان هم همین است که حکم سرپرستی مطلقاً باید [در شناسنامه] گفته شود. حالا اگر والدین واقعی بچه هم مشخص است، [نام آنها را هم بنویسند] و اگر مشخص نیست که هیچی. خب، این احتیاط بالاتری در دین است. چه اشکالی دارد که ما این احتیاط را بکنیم؟

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** قرار بود ماده (۲۲) این‌طور باشد که در شناسنامه‌ی بچه گفته بشود اینها والدین واقعی او نیستند و فقط سرپرست او هستند. همین باید نوشته شود.

**آقای یزدی-** «... با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در



قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نمایند.»

**آقای ابراهیمیان-** قید اسامی والدین واقعی در شناسنامه‌ی بچه در صورت مشخص بودن آنها است. اگر والدین واقعی مشخص نباشند، پس چیزی نیست که در شناسنامه قید بشود. به هر حال بحث سرپرستی را در شناسنامه می‌نویسند.

**آقای هاشمی شاهرودی-** اگر چیزی در توضیحات شناسنامه نوشته نشود، معلوم نیست که این سرپرستان، والدین واقعی او هستند یا غیر واقعی.

**آقای یزدی-** چرا، معلوم است که اینها والدین واقعی نیستند و فقط سرپرست هستند.

**آقای علیزاده-** اگر حاج آقای جنتی هم بیایند، قضیه روشن می‌شود. ماده‌ی بعدی را بخوانید تا ایشان هم به جلسه بیایند.

**آقای سلیمی-** درباره‌ی ماده (۲۲) همین الآن رأی بگیرید.

**آقای مؤمن-** می‌خواهید رأی به ابهام بگیرید؟

**آقای مدرسی یزدی-** بله، ابهام.

**آقای سلیمی-** هر چه هست رأی بگیرید. اگر رأی به ابهام سه تا شد، با رأی آقای جنتی می‌شود چهارتا.

**آقای مؤمن-** تذکر نسبت به این ماده خوب است، اما این ماده ابهام ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی-** در این ماده، تصریح لازم است.

**آقای مدرسی یزدی-** فایده ندارد.

**آقای شبزنده‌دار-** [ممکن است] کسی از مفاد این ماده سوء برداشت کند.

**آقای علیزاده-** به این ماده یا باید اشکال شرعی بگیرید یا ابهام. غیر از این چیز دیگری نیست. اگر این ماده ایراد دیگری داشت، آن را تذکر می‌دادید، اما ایراد دیگری که ندارد.

**آقای یزدی-** نخیر، این ماده ایرادی ندارد.

**آقای شبزنده‌دار-** تذکر ما برای این است که کسی از مفاد این ماده سوء برداشت نکند.

**آقای مدرسی یزدی-** نمی‌توانیم [نسبت به ماه (۲۲) تذکر بدهیم].

**آقای علیزاده-** نمی‌توانیم، تذکر هم باید وجهی داشته باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی-** نمایندگان مجلس به تذکر عمل نمی‌کنند. آنها مصرند که مفاد این ماده همان باشد که الآن هست.

**آقای مدرسی یزدی** - یک وقت هایی [در گذشته] شورا این طور نظر می داد که: «با استظهار از این عبارت که مراد آن است...»، که مثلاً در این چنین موردی حتماً معلوم بشود این سرپرستان، پدر و مادر واقعی بچه نیستند. به این صورت هم اگر بگوییم، این هم باز تا اندازه‌ای می تواند مشکل را در اینجا حل کند.

**آقای مؤمن** - اگر می خواهید [در باره‌ی ماده (۲۲)] احتیاط کنید، می توانیم چیزی به مجلس بگوییم و آلاً نسبت به ظاهر ماده که ما ایرادی نداریم.

**آقای عزیزاده** - حضرت آیت الله جنتی! این مصوبه مربوط به کودکان بی سرپرست است که آقایان بعد از چند بار ایراد، باز هم می خواهند به آن ایراد بگیرند!

**آقای یزدی** - کسی ایراد نمی گیرد. برخی آقایان می گویند ابهام دارد.

**آقای عزیزاده** - حضرت آیت الله جنتی، اشکال شورا به ماده (۲۲) این بوده که: «علی رغم اصلاح به عمل آمده در ماده (۲۲)، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است. علاوه بر این عدم ذکر مشخصات واقعی (من جمله اسم پدر و مادر واقعی) کودک یا نوجوان و ذکر نام پدرخوانده و مادرخوانده نباید به نحوی باشد که این امر را القاء کند که فرزند اصلی پدرخوانده و مادرخوانده است و الا اشکال دارد.» حالا نمایندگان مجلس این ماده را به این شکلی که می بینید اصلاح کرده اند.

حضرت آیت الله مؤمن و حضرت آیت الله یزدی می فرمایند اشکال ماده (۲۲) رفع شده است، اما نظر حضرت آیت الله مدرسی یزدی، حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و حضرت آیت الله شب‌زنده‌دار خلاف این است. بعضی از آقایان می فرمایند این ماده ابهام دارد؛ بعضی دیگر می فرمایند اگر [به سرپرست بودن والدین در شناسنامه‌ی کودک] تصریح بشود بهتر است؛ یعنی باید بگویند که سرپرستان طفل، پدر و مادر واقعی او نیستند. این در حالی است که آقایانی که به این ماده ایراد ندارند می گویند اینکه ذیل ماده می گوید مفاد حکم سرپرستی در قسمت توضیحات شناسنامه قید می شود، همین معنا که اینها سرپرست هستند را می رساند.

**آقای یزدی** - بله، همین معنا را می رساند. [ضمن آنکه] هیچ وقت هم نباید در جایی تصریح شود که این بچه بی پدر و مادر است؛ یعنی پدر و مادر ندارد. این کار خیلی بد است. اصلاً نباید به این موضوع تصریح شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، ما هم نمی خواهیم به این موضوع تصریح شود. باید حالت

نفی قضیه را بگوییم؛ یعنی بگوییم این سرپرستان، پدر و مادر واقعی بچه نیستند.  
**آقای یزدی-** بله، وقتی حکم سرپرستی نوشته شد؛ یعنی این دو تا سرپرست‌اند. اگر اسم پدر و مادر واقعی بچه هم مشخص باشد، نام آنها را در شناسنامه‌ی او می‌نویسند و اگر هم مشخص نباشد، نمی‌نویسند. تمام شد. دیگر بحثی نیست.  
**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** همه‌ی افراد از این عبارت [قید حکم سرپرستی در شناسنامه‌ی بچه]، این معنایی که شما می‌فرمایید را نمی‌فهمند.

**آقای علیزاده-** آقایان می‌گویند این عبارت ماده (۲۲) که می‌گوید: «نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن قید می‌نمایند.» اشکال را رفع می‌کند؛ چون معتقدند قید «در صورت مشخص بودن» به «والدین واقعی» بر می‌گردد و در این صورت، اگر والدین واقعی بچه هم مشخص نباشد، در شناسنامه‌ی بچه «حکم سرپرستی» قید می‌شود [و لذا با قید حکم سرپرستی در قسمت توضیحات شناسنامه‌ی بچه، مشخص می‌شود که این بچه، فرزندخوانده‌ی آن سرپرستان است].

**آقای یزدی-** قید «مشخص بودن» مربوط به والدین است و در صورتی که والدین بچه مشخص نباشند، نباید بگوییم [این بچه پدر و مادرش نامشخص‌اند].  
**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** ما می‌گوییم باید در شناسنامه‌ی بچه قید کنند که این دو سرپرست، پدر و مادر واقعی او نیستند.

**آقای سلیمی-** در شناسنامه‌ی بچه می‌نویسند «سرپرستی»؛ ماده (۲۲) می‌گوید حکم سرپرستی را در شناسنامه‌ی بچه می‌نویسند. اگر پدر و مادر واقعی او هم مشخص بود، اسم آنها را هم می‌نویسند و اگر مشخص نبود، فقط حکم سرپرستی را می‌نویسند.  
**آقای علیزاده-** اینکه مفاد حکم سرپرستی را در شناسنامه‌ی بچه می‌نویسند، همین را می‌رساند که سرپرستان، والدین واقعی او نیستند.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** نه، معنایش این نیست. من همین را می‌گویم که معنای این حرف، نفی والدین واقعی بودن نیست. بالاخره آیا سرپرستان، والدین واقعی هستند یا نیستند؟

**آقای سلیمی-** خب، معلوم است که سرپرستان، والدین واقعی نیستند. والدین واقعی که سرپرست نمی‌شوند.

**آقای عزیزاده** - آقایانی که می‌فرمایند با این اصلاح به عمل آمده، اشکال کماکان به قوت خودش باقی است، رأی بدهند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - ماده (۲۲) ابهام دارد.

**آقای عزیزاده** - حالا ابهام را جداگانه رأی می‌گیریم. آقایانی که می‌فرمایند این ماده، ابهام دارد، بفرمایند.

**آقای سلیمی** - ابهام هم رأی نیاورد.

**آقای مدرسی‌یزدی** - حاج آقای شب‌زنده‌دار فرمایشی دارند که از آنچه گفتیم مهم‌تر است. اجازه بدهید آن را بفرمایند.

**آقای شب‌زنده‌دار** - عرض من این است که در شناسنامه‌ای که برای این کودکان صادر می‌شود، در قسمتی که مخصوص نوشتن اسم پدر و مادر است، اسم سرپرست‌ها را می‌نویسند؟

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - بله.

**آقای سلیمی** - بله.

**آقای شب‌زنده‌دار** - خب، پس تکلیف «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ»<sup>(۱)</sup> چه می‌شود؟

**آقای سلیمی** - معنای «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ» این نیست [که در شناسنامه، اسم سرپرست کودک نوشته نشود].

**آقای شب‌زنده‌دار** - این یعنی سازمان ثبت احوال، افراد را یَدْعُوهُمْ بِغَيْرِ آبَائِهِمْ می‌کند.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - آقایان می‌گویند که [نام والدین واقعی] در قسمت توضیحات شناسنامه نوشته می‌شود.

۱. سوره احزاب، آیات (۴) و (۵): «... وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً...» و (نیز) خداوند فرزندخوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است؛ این سخن شماست که به دهان خود می‌گویید (سخنی باطل و بی‌پایه)؛ اما خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند. آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند؛ اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سر می‌زند (و بی‌توجه آنها را به نام دیگران صدا می‌زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است.»

**آقای شب‌زنده‌دار-** خب، اینکه فایده ندارد. خود این کار غلط است.

**آقای سلیمی-** پس سازمان ثبت احوال باید چه کار کند؟ باید بنویسد این بچه سر راهی است؟!

**آقای علیزاده-** مفاد حکم سرپرستی را [در شناسنامه] می‌نویسند.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** در اسناد سجلی نوشته می‌شود که این بچه، فرزندخوانده‌ی سرپرستان است.

**آقای شب‌زنده‌دار-** ما که نباید در مقابل حکم خدای متعال مصلحت‌سنجی کنیم.

**آقای سلیمی-** ما نمی‌توانیم و نمی‌خواهیم بر خلاف حکم خداوند عمل کنیم.

**آقای مؤمن-** معنای «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ» که [ذکر نام والدین واقعی در] شناسنامه نیست.

**آقای ره‌پیک-** بله، شناسنامه یک سند اعتباری است.

**آقای شب‌زنده‌دار-** این یک نحو خواندن است. اصلاً دروغ است که آن سرپرست، پدر این بچه است! آنچه در شناسنامه ثبت می‌شود، دروغ است.

**آقای سلیمی-** نه، دروغ نیست؛ چون دادگاه حکم سرپرستی را داده است. ما هم می‌گوییم سازمان ثبت احوال باید به حکم دادگاه، حکم سرپرستی را در شناسنامه‌ی کودک قید کند.

**آقای شب‌زنده‌دار-** سرپرست که پدر واقعی نمی‌شود.

**آقای سلیمی-** بله، ولی به حکم دادگاه، این سرپرست، پدرخوانده می‌شود.

**آقای ره‌پیک-** پدرخوانده، پدر واقعی نیست.

**آقای شب‌زنده‌دار-** بله، ولی فعلاً در شناسنامه [در قسمت مخصوصی که نام پدر و مادر شخص را می‌نویسند] سرپرستان را به عنوان پدر و مادر بچه می‌نویسند.

**آقای مدرسی‌یزدی-** در ماجرای زید بن حارثه، همه می‌دانستند زید فرزند حارثه است و فرزند پیامبر(ص) نیست. اما آن‌حضرت اعلام کردند که دیگر به زید نگوید زید بن محمد(ص)؛ بلکه به او بگوید زید بن حارثه، که این آیه هم نازل شد: «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ»، آنها را به نام آبائشان بخوانید.

وقتی که این کودک تحت سرپرستی شناسنامه‌اش را به دست می‌گیرد و به مدرسه می‌رود، وقتی می‌پرسند فرزند کیست، در جواب می‌گویند این فرزند آن آقای سرپرست است؛ [چون اسم آن سرپرست در قسمت مخصوص به نام پدر ذکر شده

است]؛ اسم پدر واقعی اش را که نمی‌گویند.

**آقای یزدی-** نه، نمی‌گویند فرزند [سرپرست] است. اگر در شناسنامه‌ی او آمده باشد که این بچه، فرزند آن سرپرست است، اشکال دارد.

**آقای شب‌زنده‌دار-** [این‌طور که ماده (۲۲)] نوشته، فرزند سرپرست خوانده می‌شود.

**آقای یزدی-** نه، این‌طور نیست.

**آقای مدرسی یزدی-** به هر حال من خیلی یقین ندارم که بخواهم به ماده (۲۲) اشکال وارد کنم، اما شبهه‌ای که [آقای شب‌زنده‌دار] مطرح کردند، شبهه‌ی قوی است.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** اگر در شناسنامه‌ی کودک بنویسند که سرپرست‌ها، پدر و مادر او نیستند خوب است، ولی اگر ننویسند، اشکال دارد.

**آقای یزدی-** در شناسنامه‌ی کودک می‌نویسند که اینها سرپرست او هستند.

**آقای شب‌زنده‌دار-** این مطلب را در همان صفحه‌ی اول شناسنامه می‌نویسند؟

**آقای سلیمی-** در صفحه‌ی آخر شناسنامه و در قسمت توضیحات آن می‌نویسند ایشان پدر واقعی کودک نیست و فقط سرپرست او است.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** نه، این موضوع را باید [در صفحه‌ی اول شناسنامه] بگویند. باید بگویند ایشان پدر واقعی او نیست.

**آقای سلیمی-** اینکه سرپرست است [را در قسمت توضیحات شناسنامه] می‌نویسند. معنای این کار هم این است که او، پدر واقعی نیست؛ یعنی اگر سرپرست است، بابا نیست.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** نه این کار فایده ندارد.

**آقای مؤمن-** در مورد زید که جناب آقای مدرسی یزدی آن را مثال زدند هم معلوم نیست زید پسر کیست؟!

**آقای مدرسی یزدی-** «فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»؛ پس نگویید زیدِ فلان [مثلاً زیدِ محمد(ص)].

**آقای مؤمن-** خوب، فرموده است: «إِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ».

**آقای یزدی-** بله، [نظر آقای مؤمن] درست است.

**آقای مدرسی یزدی-** آیه می‌گوید: «فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ».

**آقای یزدی-** اگر پدر فرد معلوم نباشد، می‌شود: «فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ».

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** باید کسانی بیایند و توضیح بدهند که این دو نفر، پدر و مادر

سرپرست بچه هستند و والدین واقعی او نیستند. مصوبه‌ی فعلی این را نمی‌گوید. باید بگویند اینها والدین واقعی نیستند.

**آقای مدرسی یزدی-** اصلاً در شناسنامه‌ی بچه باید بنویسند «سرپرست». من که نظرم این است.

**آقای جنتی-** در مقابل عنوان پدر و مادر در شناسنامه‌ی بچه چه بنویسند؟

**آقای هاشمی شاهرودی-** در سجلی پدر و مادر می‌نویسند، ولی در توضیحات آن بگویند این دو، پدر و مادر واقعی این شخص نیستند. همین را بنویسند. چرا اینکه سرپرست‌ها، پدر و مادر واقعی فرد نیستند را در شناسنامه‌ی او نمی‌نویسند. لازم نیست حتماً بگویند پدر بچه کیست. هرچند اگر بخواهند می‌توانند این را هم بگویند. ولی باید بگویند سرپرست، پدر واقعی او نیست.

**آقای یزدی-** اگر والدین واقعی او مشخص باشند، نام آنها را هم جداگانه در شناسنامه‌اش می‌نویسند.

**آقای هاشمی شاهرودی-** معنای [عبارت ماده (۲۲)] این نیست. سرپرست [فقط] حکم سرپرستی بچه را دارد.

**آقای جنتی-** سرپرست غیر از پدر و مادر است دیگر. معنای کلمه سرپرست این است که [سرپرست، پدر واقعی فرد نیست]. چه کسی غیر این را می‌گوید؟

**آقای رهپیک-** حاج آقا، در این مصوبه [در ماده (۸)]، شرط به سرپرستی واگذار کردن بچه این است که «هیچ‌یک از پدر، مادر و جد پدری آنان شناخته شده نباشند یا در قید حیات نباشند و یا نتوانند مسئولیت سرپرستی را انجام دهند و یا غبطه کودک یا نوجوان را رعایت نکنند.» در این مصوبه، این شرایط قبلاً گفته شده است؛ پس قطعاً این زوجین سرپرستی که در اینجا گفته اسمشان در شناسنامه‌ی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی درج می‌شود، پدر و مادر واقعی او نیستند.

**آقای هاشمی شاهرودی-** ولی اسم آنها به عنوان پدر و مادر واقعی در صفحه‌ی اول شناسنامه‌ی بچه درج می‌شود.

**آقای رهپیک-** خب، این در صفحه‌ی اول است و در بالای صفحه اول هم می‌نویسند، توضیحات دارد. در قسمت توضیحات هم که مسئله روشن شده است.

**آقای علیزاده-** اینها در واقع سرپرست‌اند.

**آقای مدرسی یزدی** - شما یک قانون عادی را فرض کنید که به شما بگوید هیچ گاه فرزندی را به اسم غیر پدرش نخوانید، بلکه او را به اسم پدرش بخوانید و اگر پدرش هم معلوم نیست، اینها برادران شما در دین هستند که باز معنایش این است که او را فرزند دیگری نخوانید. حالا در این شرایط اگر شما اسم یک کس دیگری را به عنوان اسم پدر، در شناسنامه‌ی بچه بنویسید، آیا طبق آن قانون عمل کرده‌اید؟!

**آقای رهپیک** - در جایی که گفته نشده صفحه‌ی اول یا دوم یا آخر شناسنامه ملاک است، بلکه صفحه‌ی اول و دوم و آخر شناسنامه، همه با هم ملاک است که [در شناسنامه‌ی کودکان تحت سرپرستی] معنای آنها در مجموع این است که آن آقای که اسمش به عنوان پدر در صفحه‌ی اول ذکر شده، پدر واقعی بچه نیست، بلکه سرپرست او است.

**آقای مدرسی یزدی** - یعنی شما سرپرست را، پدر هم حساب کردید.

**آقای رهپیک** - نه، کجا پدر حساب کردیم؟! بحث سرپرستی در توضیحات شناسنامه توضیح داده شده است.

**آقای مدرسی یزدی** - آخرش این هم خلاف «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ» است. عرض کردم که در قضیه زید همه‌ی مردم می‌دانستند زید فرزند حارثه است، ولی در عین حال خداوند می‌فرماید: «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ»؛ یعنی اصلاً زمانی که او را می‌خوانید، نگویند زید فرزند پیامبر(ص) است.

**آقای مؤمن** - بلکه بگویند فرزند حارثه است. اما اگر نمی‌دانیم فرزند حارثه است یا نه باید چه کار کنیم؟

**آقای مدرسی یزدی** - در این باره می‌فرماید: «فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»؛ ولی می‌گوید زید بن حارثه [را به نام پدر واقعی‌اش بخوانید].

**آقای عزیزاده** - حضرات آقایانی که علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، این ماده را همچنان خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند.

**آقای یزدی** - پیدا است که اشکال ماده (۲۲) رفع شده است و سرپرست‌ها والدین کودک نیستند. این ماده نوشته است: در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید.<sup>(۱)</sup>

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۰/۳۹۳۲۳



## لایحه دوفوریتی تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات

### کشوری

**آقای علیزاده-** این «لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات کشوری»<sup>(۱)</sup> دوفوریتی آمده است. الآن این را بررسی کنیم.

**آقای جنتی-** پس متن آن را به ما بدهید.

**آقای علیزاده-** چیز زیادی ندارد. دو جمله است؛ می خوانیم: «لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات کشوری». این قانون پنج سال مهلت اجرا داشته که پنج سالش تمام شده است. الآن با این لایحه دوباره می خواهند این قانون را حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید کنند. می خوانم؛ منتها ممکن است یک ایرادی داشته باشد.

**آقای سوادکوهی-** این قانون برای دومین مرتبه است که تمدید می شود. یعنی الآن، با این یک سالی که تمدید شده است، مجموعاً هفت سال می شود.

**آقای علیزاده-** باشد. «ماده واحده- مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید می شود. دولت مکلف است

→

مورخ ۱۳۹۲/۷/۲ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰، لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست که با اصلاحاتی در جلسه مورخ سی و یکم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۱. لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات کشوری در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۳ با قید دوفوریت به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۶۸/۴۲۳۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۷۴) قانون اساسی را طی نامه شماره‌ی ۹۲/۳۰/۵۱۹۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

پیشنهاد متن نهایی قانون مذکور را حداکثر شش ماه قبل از پایان مهلت مزبور جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.» این قسمت آخرش اشکال دارد.

**آقای سوادکوهی-** این مصوبه چون به صورت «لایحه» به مجلس آمده است، بنابراین خود دولت قبول کرده که متن نهایی این قانون را ظرف شش ماه برای تصویب به مجلس بدهد.

**آقای علیزاده-** باشد، ولی باز هم ایراد دارد.

**آقای سوادکوهی-** در مجلس هم این بحث مطرح شد...

**آقای هاشمی شاهرودی-** نمی شود دولت را به تقدیم لایحه به مجلس، الزام کرد.

**آقای سوادکوهی-** خود دولت، در لایحه اش این الزام را خواسته است

**آقای علیزاده-** دولت نمی تواند بگوید من را الزام کنید.

**آقای سوادکوهی-** ولی این بحث در مجلس هم مطرح شد.

**آقای مدرسی یزدی-** دولت، خودش خودش را الزام کرده است؛ [کسی دولت را مجبور نکرده است].

**آقای علیزاده-** حتی اگر دولت، خودش را ملزم کند، نمایندگان مجلس نمی توانند چنین مصوبه ای را تصویب کنند. این مصوبه، اشکال دارد.

**آقای رهیک-** با مصوبه ی مجلس نمی توان دولت را به ارائه ی لایحه الزام کرد.

**آقای علیزاده-** دولت خودش می تواند خودش را ملزم کند، اما وقتی این لایحه به مجلس رفت و قانون شد، چون این دولت ممکن است فردا تغییر کند، [لذا این تعهد

خودخواسته ی این دولت، ممکن است شش ماه دیگر بر عهده ی دولت بعد مستقر شود].

**آقای مدرسی یزدی-** نه، این موضوع، دو حالت دارد: یک وقت «طرح» هایی است که دولت را ارائه ی لایحه ملزم می کند و می گوید فلان کار را انجام بده، آن بله، در قالب

طرح نمی توان دولت را الزام کرد. اما این مصوبه به دولت می گوید یک لایحه با هر شرایطی که خودت می خواهی بده؛ این که خلاف قانون اساسی نیست. این مصوبه هم

به دولت گفته یک لایحه بده؛ نگفته که چگونه و با چه شرایطی آن لایحه را ارائه کن. این که خلاف قانون اساسی نیست. بله، اگر بگوید فلان لایحه را با این خصوصیات

ارائه کن، در این صورت ایراد دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی-** مجلس، نمی تواند دولت را به ارائه ی لایحه ملزم کند.

**آقای رهپیک-** این مصوبه، ارائه‌ی لایحه را مقید به زمان کرده است.

**آقای علیزاده-** [این مصوبه، دولت را به ارائه‌ی متن نهایی قانون ملزم کرده است.

حداقل باید می‌گفت دولت متن لایحه‌ی مورد قبول خودش را ارائه دهد.

**آقای مدرس‌یزدی-** بله، مجلس باید به دولت بگوید لایحه‌ی خودت را در این موضوع بده.

**آقای علیزاده-** [این مصوبه می‌گوید که دولت ظرف شش ماه، متن نهایی قانون را ارائه کند،] همین اشکال دارد دیگر.

**آقای مدرس‌یزدی-** نه.

**آقای رهپیک-** این مصوبه، دولت را مقید به زمان هم کرده است.

**آقای مدرس‌یزدی-** آن، عیبی ندارد.

**آقای علیزاده-** چرا، آن هم اشکال دارد.

**آقای مدرس‌یزدی-** عیبی ندارد. اگر دولت برود این کار را کند [و لایحه دائمی قانون مدیریت خدمات کشوری را تهیه و به مجلس ارائه کند] مشکلی ندارد.

**آقای علیزاده-** پس این مصوبه [از حیث الزام دولت به ارائه‌ی لایحه‌ی نهایی قانون] ایراد دارد. اشکال همیشگی ما [در خصوص مغایرت با اصل (۷۴)] بر این مصوبه وارد است.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** اگر [مصوبه‌ی مجلس] ارشادی باشد، اشکالی ندارد.

**آقای مدرس‌یزدی-** حکم این مصوبه که ارشادی نیست.

**آقای علیزاده-** اگر [مجلس در مصوبه‌ی خود] بگوید دولت اختیار دارد که این

لایحه‌ی نهایی را بیاورد، ما ایرادی نمی‌گیریم؛ اما این مصوبه، دولت را ملزم کرده و حداکثر مدت را هم برای انجام این کار تعیین کرده است؛ این اشکال دارد.

**آقای رهپیک-** حرفی نداریم.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** موضوع، روشن است. بله، اشکال دارد.

**آقای مدرس‌یزدی-** اگر گفته بود ...

**آقای علیزاده-** حضرات آقایانی که این قسمت اخیر ماده واحده را با این سیاقی که دارد، [واجد اشکال می‌دانند و] همان اشکال همیشگی شورای نگهبان در الزام دولت

به ارائه‌ی لایحه را می‌گیرند، رأی بدهند.

**آقای هاشمی‌شاه‌رودی-** خلاف اصل (۸۰) است.

آقای یزدی- الزام دولت به ارائه‌ی لایحه است.

آقای علیزاده- رأی آورد.

آقای طحان نظیف (منشی)- شش رأی شد.

آقای علیزاده- آقای سلیمی هم موافق هستند.

آقای طحان نظیف (منشی)- هفت رأی شد.

آقای علیزاده- خیلی خوب، این ایراد، به تصویب رسید.<sup>(۱)</sup>

---

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۹۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۶۸/۴۲۳۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳، لایحه دوفوریتی تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب جلسه مورخ دهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:  
- تکلیف دولت به اقدام قانونی لازم جهت دائمی نمودن قانون مذکور، مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض  
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب  
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سابقه‌ای است.  
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال  
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت  
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir